# آیین‌نامه سوم

# آیین‌نامه سوم

مجموعه‌ای از مکاشفات الهی از اثر مکاشفاتی دوازده جلدی

«کتاب زندگی حقیقی»

# اطلاعیه حقوق

حق نشر مطابق با بخش ۲ قانون حق نشر آلمان (UrhG):

سال: ۲۰۲۶

شابک: 9789403973722

طراحی جلد:

Bookmundo Cover Generator

پورتال انتشار:

Bookmundo

Delftsestraat 33

NL – 3013AE Rotterdam

هلند

چاپ در آلمان توسطinfo@bookmundo.com

CPI Books GmbH

کتابخانه ملی آلمان این اثر را در کتاب‌شناسی ملی آلمان فهرست می‌کند (دو نسخه امانی به DNB ارسال خواهد شد)

این اثر، شامل تمام اجزای آن، تحت بخش ۲ قانون حق نشر آلمان (UrhG) توسط حق نشر محافظت می‌شود. هرگونه استفاده بدون رضایت نویسنده ممنوع است.

اثر دوازده جلدی *Libro de la Vida Verdadera* (کتاب زندگی حقیقی) میراثی برای تمام بشریت است

و در اداره کل حق نشر وزارت آموزش و پرورش در مکزیکوسیتی به ثبت رسیده است.

«مدیریت کل حقوق مؤلفان دبیرخانه آموزش عمومی» در مکزیکو سیتی

با شماره‌های ۲۶۰۰۲، ۲۰۱۱۱ و ۸۳۸۴۸.

اطلاعات بیشتر دربارهٔ نسخهٔ اصلی اسپانیایی: Asociación de Estudios Espirituales Vida Verdadera, صندوق پستی 888، مکزیکو سیتی، کدپستی 06000

ترجمه و گردآوری:

تراوگوت گولتنبوث؛ والتر مایر؛

تاریخ: اکتبر ۲۰۱۶

ویرایش (قواعد املایی جدید و صفحه‌آرایی):

خدمت زندگی

Manfred Bäse

(مرحوم)

*«آیین‌نامه سوم» تا به امروز به تقریباً ۳۵ زبان ترجمه شده است، به سفارش عیسی مسیح و بر اساس این نسخه آلمانی، با استفاده از برنامه ترجمه DeepL (نسخه تجاری) – DeepL – لینک دانلود: www.DeepL.com/Translator.*

این‌ها نوشته‌های اصلی آلمانی هستند که توسط گوتهولد گلتن‌بوت ترجمه و توسط Reichl Verlag منتشر شده‌اند. این آثار باید در خلوص اصلی خود حفظ شوند و محتوای آن‌ها نباید تغییر یابد. انجام چنین کاری گناهی نابخشودنی است و موجب قضاوت الهی خواهد شد.
آنا ماریا هوستا (نام معنوی) مسئول ویرایش و ترجمه‌ها به نمایندگی از خداوند، عیسی مسیح، خدای ما و صاحب این نوشته‌ها است.

نام واقعی: آنا-الیزابت هوس
محل اقامت: فرایبورگ ایم بریزگاو
ایمیل: hoanna64@yahoo.com
وب‌سایت: https://www.anna-maria-hosta.de

سخنان خداوند به آنا ماریا هوستا:
به گفته مسیح، «هوستا» به معنای:
هوس – نام خانوادگی - ت - هوست - ا - آنا – دریافت شده از مسیح در سال ۲۰۱۷
۲۵ مارس ۲۰۱۷عیسی به آنا می‌گوید: «عصرها را محر و موم کن» ... و سپس می‌گوید:
«از این بهره ببر. من امروز تو را برگزیده‌ام تا تعالیم مرا دریافت کرده و به مردم منتقل کنی.»
«تو هنوز باید بیاموزی که پیام مرا در سراسر جهان منتشر کنی.»
«نباید حق نشر برای این کتاب‌ها وجود داشته باشد، زیرا آنها برای همه مردم هستند.»

۲۵ مارس ۲۰۱۷ عیسی به آنا می‌گوید: «زمان‌های محروموم‌شده» ... و سپس ادامه می‌دهد:
«از این فرصت نهایت استفاده را ببر. من امروز تو را برگزیده‌ام تا تعالیم را دریافت کرده و به مردم منتقل کنی.»
«تو هنوز باید بیاموزی که چگونه پیام را در سراسر جهان منتشر کنی.»
«این کتاب‌ها نباید تحت حمایت حق نشر باشند، زیرا برای همه مردم در نظر گرفته شده‌اند.»

سخنان عیسی مسیح:

... «می‌خواهم شما، برای تحقق پیشگویی‌هایم، با استفاده از این کلماتی که به شما داده‌ام، جلدهای کتابی را گردآوری کنید، و بعداً گزیده‌ها و تفاسیر آن را تهیه کرده و به اطلاع همنوعان خود برسانید.» (۶، ۵۲ *)

* عدد قبل از ممیز به شماره دستور و عدد بعد از ممیز به شماره آیه در ۱۲ جلد کتاب *کتاب زندگی حقیقی* اشاره دارد.

... «با این کتاب، که بشریت سرانجام آن را به عنوان عهدنامه سوم خواهد شناخت، شما باید از موکل من دفاع کنید. بشریت تنها قانون «عصر اول» و آنچه در عهدنامه اول و دوم نوشته شده را می‌شناسد. اما عهدنامه سوم اکنون آنچه را که مردم به دلیل عدم آمادگی و درک نادرست تغییر داده‌اند، متحد و اصلاح خواهد کرد.» (۳۴۸، ۲۶)

... «این صدایی که شما را می‌خواند، صدای استاد الهی است. این کلام از آنِ کسی است که همه چیز را آفرید. جوهر این اثر، سنگ بنایی خواهد شد که تمام نظم‌های آینده بر آن استوار خواهند گشت. آن که قدرت انجام همه چیز را دارد، دل‌های سنگی شما را به پناهگاهی از عشق و کمال مبدل خواهد ساخت، و نوری را در جایی که تنها تاریکی بود، فروزان خواهد کرد.» (۵۰، ۲)

یادداشتی برای خواننده:

انسان چیزی فراتر از جسم خود است. او یک وجود معنوی در کالبدی زمینی است. این وجود معنوی از روح و جان تشکیل شده است. روح از طریق جان، جسم را هدایت می‌کند.

در زبان روزمره، «روح» و «نفس» اغلب به طور مترادف استفاده می‌شوند. این امر به ویژه به دلیل تعالیم کلیسای کاتولیک است.

در متون اسپانیایی که این ترجمه بر اساس آن‌ها انجام شده است، اصطلاح «espíritu» برای هر دو مفهوم به کار رفته است، به جز در مواردی که هر دو اصطلاح با هم ذکر شده و رابطه‌شان با یکدیگر روشن می‌شود.

در این موارد، برای ایجاد تمایز لازم، «روح» با واژه اسپانیایی «وجدان» و «آگاهی»، یعنی «conciencia» ترجمه شده است.

از آنجا که یک ترجمه یکنواخت با استفاده از یک واژه واحد برای «espíritu» در نسخه آلمانی به ابهامات می‌انجامید، مترجمان تا حد دانش و باور خود تلاش کرده‌اند تا «espíritu» را مطابق توضیحات فوق به صورت «Geist» (روح)، «Seele» (نفس) یا «Geistseele» (روح-نفس) ترجمه کنند.

از خوانندگان خواسته می‌شود که در موارد تردید، متون وحی‌ها را مطابق با معنای مقصودشان تفسیر کنند.

## پیش‌گفتار

این کتاب حاوی گزیده‌ای خلاصه از بخش‌هایی از ۱۲ جلد مکاشفات الهی است که بین سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۲ در مکزیک با عنوان «کتاب زندگی حقیقی» (Libro de la Vida Verdadera) منتشر شده‌اند. در این مکاشفات یا تعالیم، خداوند خود را به عنوان خالق، داور و پدر، و مسیح را به عنوان «کلمه»ی خویش و استاد الهی حکمت از جانب خدا، در وحدت روح‌القدس با او، آشکار ساخت.

یافتن و گزینش متون آموزشی از میان انبوه متون، آنهایی که از نظر محتوا و زبان برای یک مجموعهٔ موضوعی مناسب‌ترین بودند و برای ارائهٔ هر یک از موضوعات به طور هرچه جامع‌تر، ضروری به شمار می‌رفتند، کار آسانی نبود. همچنین آشکار شد که در برخی موارد، برای انتقال یک گزارهٔ خاص در یک آیه از نسخهٔ اصلی، لازم بود چندین آیهٔ مرتبط در مجموعهٔ آلمانی گنجانده شود. در موارد دیگر، لازم بود تنها بخشی از یک آیهٔ اصلی طولانی‌تر که حاوی عناصر موضوعی مختلف بود، گنجانده شود.

هنگام ترجمه متن اصلی اسپانیایی «کوند» به آلمانی، اصل اولیه این بود که معنا را به دقت منتقل کنند، زیرا این امر جوهر کلام الهی را نمایان می‌سازد. هر جا که ممکن بود، واژه‌بندی اسپانیایی نیز تا حد امکان به طور وفادارانه بازتولید می‌شد، و در نتیجه این متون گاه به گاه حاوی واژگان، اصطلاحات و عبارات نسبتاً خاص و ناآشنا هستند. بنابراین، در برخی موارد برای ارائه توضیحات بیشتر به پاورقی نیاز بود. با این حال، در اصل، اهمیت زیادی نیز به استفاده از سبک آلمانی خوشایند و قابل فهم داده شد؛ در نتیجه، اغلب از ترجمه تحت‌اللفظی پرهیز می‌شد اگر از نظر زبان‌شناسی نامناسب می‌بود و اگر معنای بخش مورد نظر می‌توانست بدون خدشه‌دار کردن ماهیت آن به آلمانی خوب بیان شود.

اگرچه سخنگویان در حالت وجد، به طور خودآگاه در تدوین وحی‌ها مشارکت نداشتند و صرفاً توانایی‌های زبانی و مفهومی خود را که تا حدی توسعه‌یافته بود، به عنوان ابزاری برای وحی الهی در اختیار می‌گذاشتند، و اگرچه فصاحت وحی‌ها بسیار فراتر از ظرفیت عادی بیان آن‌ها بود، با این حال، وضوح زبانی و قدرت بیان مکاشفات، به آمادگی معنوی و روانی و واژگان پیام‌رسان مربوطه نیز وابسته بود.

ترجمه اصطلاحات «روح» و «نفس» به گونه‌ای که با معنای اصلی همخوانی داشته باشد، مشکل خاصی را به وجود آورد، زیرا نسخه‌های اسپانیایی به طور کامل فاقد واژه‌های «alma» یا «anima» برای «نفس» هستند و در عوض از واژه «espíritu» برای «روح» استفاده می‌کنند. بنابراین، در برخی موارد، تصمیم‌گیری در مورد اینکه آیا «espíritu» باید در معنای اصلی خود به صورت «روح» ترجمه شود یا «نفس»، بسیار دشوار بود و می‌بایست بر اساس دانش و باورمان اتخاذ می‌شد. دلیل این سردرگمی گاه‌به‌گاه در کاربرد این واژگان، نه در خود وحی‌های الهی، بلکه در قراردادهای زبانی کسانی بود که این کلمات را منتقل کردند و در قضاوت نادرست هنگام تدوین و انتشار نخست «کتاب زندگی حقیقی» در مکزیک.

این مجموعه که بر اساس موضوعات سازماندهی شده است، با هدف کمک به خواننده علاقه‌مند و همه کسانی که در جستجوی دانش و حقیقت هستند، برای ارائه یک نمای کلی و جامع از آنچه روح خدا در طی پیام‌های متعدد در مکزیک پیش از پایان سال ۱۹۵۰، آشکار ساخت، گردآوری شده است، یعنی، در دوره‌ای که از ۱۸۸۴ تا ۱۹۵۰ ادامه داشت، به عنوان پیام و دستورالعمل جدیدی برای بشریت آشکار شد. با این حال، مهم‌تر از همه، هدف آن تسهیل و تشویق مطالعه دقیق و درک عمیق‌تر تعالیم روح، کلام جدید خدا، است.

به لطف ساختار موضوعی واضح، فهرست مطالب به خواننده این امکان را می‌دهد که موضوعات و بخش‌های مورد علاقه خود را به سرعت بیابد، یا بخش‌هایی را که برای تعامل با مخالفان یا گفتگو با سایر مؤمنان نیاز دارد، پیدا کند.

مأموریت و اجازه برای تدوین این مجموعه به این شکل و تحت این عنوان، توسط خود مسیح در کلام جدیدش داده شده است. هر فصل از کتاب به یک موضوع واحد می‌پردازد (به استثنای فصول ۶۱ تا ۶۳) و برای علاقه‌مندان خاص، حتی بدون اطلاع از فصول قبلی، قابل فهم است. با این حال، مطالعه نظام‌مند این اثر از ابتدا تا انتها برای درک کامل تعالیم روحانی، توصیه و ضروری است.

فصول ۹ تا ۱۱، ۱۶ تا ۱۸، ۲۰ تا ۲۲، ۳۲ تا ۳۶، ۴۳ تا ۴۵، ۵۹ تا ۶۱، ۶۳ و ۶۵ به‌ویژه برای تربیت و راهنمایی روزانه مناسب هستند؛ در این زمینه، باید توجه ویژه‌ای به تعالیم کامل در ترجمه‌های آلمانی «کتاب زندگی حقیقی» نیز معطوف شود. «کتاب زندگی حقیقی» ( Libro de la Vida Verdadera)، که از کتاب‌فروشی‌ها از طریق قابل تهیه است. خواننده یا مؤمن علاقه‌مند می‌تواند از این طریق تصویری کلی از چگونگی نزول وحی‌های الهی به‌دست آورد و ضمن خواندن این کتاب و همچنین این عهدنامه سوم، شادی عمیق و روشن‌بینی برای ذهن و قلب را تجربه کند. باشد که این موهبت به همه انسان‌های نیک‌نهاد نصیب شود.

ویراستار

# مقدمه

اکثر مسیحیان، صرف‌نظر از فرقه یا گروه مذهبی خود، عنوان این کتاب، «آیین‌نامه سوم»، را جسورانه خواهند دانست، زیرا با این کار، این اثرِ وحی جدید در ردیفِ عهد عتیق و عهد جدیدِ کتاب مقدس قرار می‌گیرد؛ کتابی که آنها آن را کتاب مقدس و اساس ایمان خود می‌دانند—مجموعه‌ای از نوشته‌ها که کامل تلقی می‌شود و نیازی به ادامه یا گسترش ندارد.

با این حال، هر کسی که واقعاً با کتاب مقدس آشنا باشد، می‌داند که این دیدگاه سنتی هیچ مبنایی در تعالیم معتبر عیسی، چنان‌که در اناجیل عهد جدید به ما رسیده است، ندارد. برعکس! عیسی در موعظه‌های وداع خود، چندین بار از بازگشت خود و در ارتباط با آن، از «روح حقیقت»، «تسلی‌بخش» و «روح‌القدس» سخن گفت که آنگاه «ما را به تمام حقیقت هدایت خواهد کرد».

رسول پولس باور خود را به یک مکاشفه بزرگ آینده از خدا در تحقق کامل اعصار با این کلمات بیان کرد: «زیرا اکنون به صورت آئینه و به طور مبهم می‌بینم، اما آنگاه رو در رو خواهم دید.» (اول قرنتیان ۱۳:۱۲)

هدف این مقدمه آن است که برای مسیحیان مؤمن، و در واقع تمام خوانندگان علاقه‌مند این کتاب، درک صحیحی از منشاء آن و از نحوه و شرایط بیرونی تحقق وعده بازگشت عیسی فراهم آورد؛ زیرا، علی‌رغم مطالب مندرج در خود مکاشفات، در غیر این صورت ممکن است برخی سؤالات بی‌پاسخ بمانند و موجب تردیدها و سوءتفاهم‌ها شوند. این مقدمه همچنین با هدف تسهیل درک آنچه روح خدا در وحی جدید خود به عنوان عهدنامه سوم به بشریت به یادگار گذاشته است، تنظیم شده است.

همان‌طور که هر خواننده‌ای از این کلام جدید خدا می‌تواند برای خود ببیند، این کتاب سرشار از بالاترین اقتدار، حکمت و محبت است. این تحقق وعده عیسی برای بازگشتش «در ابر» (لوقا ۲۱:۲۷) است که — به زبان نمادین روح بیان شده — به معنای: از نظر معنوی است. بدین ترتیب، این عهدنامه سوم خدا، به عنوان خلاصه‌ای با ساختار موضوعی از مکاشفات الهی در مکزیک، گواهی حقیقی بر بازگشت مسیح «در روح» است؛ این پیام و تعلیم معاصر او برای بشریت در قالبی فشرده است.

این کلام برای آن است که به عنوان یک راهنمای معنوی برای مردم امروز عمل کند و آنها را به درک بهتر و عمیق‌تری از خدا، از خود، از معنای وجودشان بر روی زمین، و از رویدادهایی که در زندگی شخصی‌شان بر آنها می‌گذرد، و همچنین از رویدادها و تغییراتی که لزوماً با سپیده‌دم

«عصر روح‌القدس» همراه است، رهنمون سازد. آباک جوآکیم دِ فیوره از قرون وسطی و بسیاری دیگر پس از او، از این زمان سخن گفته‌اند. این پادشاهی صلح مسیح بر روی زمین است که از زمان پیامبران به بشریت وعده داده شده است.

با بازگشت معنوی مسیح در کلام، این عصر روح و معنوی‌سازی بشر از هم‌اکنون طلوع کرده است، و مسیح با کلام نوین محبت خویش، راه آن را نشان داده است.

بر خلاف تمام انتظارات مسیحیت، رویداد محوری در ظهور دوم مسیح چیزی نیست که هنوز در راه باشد، بلکه در حال حاضر بخشی از تاریخ است: این رویداد به طور آرام بین سال‌های ۱۸۶۶ و ۱۹۵۰ رخ داد، بی‌آنکه مورد توجه و اهمیت «جهان وسیع‌تر» و مسیحیت قرار گیرد! نه در قلب مسیحیت غربی در رم، نه در مرکز پارسایی ارتدوکس در کوه آتوس، و نه، همان‌طور که بسیاری انتظار داشتند، در شهر باستانی یهودی-مسیحی اورشلیم، و نه در حوزه الهیات پروتستان و فلسفه دین، بلکه در کشوری از به اصطلاح جهان سوم: مکزیک! و حتی آنجا نیز، نه در کلیسای غالب کاتولیک با تمام قدرت و شکوهش، بلکه در محیطی از فقر و بی‌اهمیتی در میان مردم ساده و بی‌سواد در حومه‌ها یا مناطق دورافتادهٔ مکزیکوسیتی، و از آنجا تابش یافته و در سراسر کشور گسترش یافت. چه کسی چنین انتظاری را داشت؟

بازگشت دوباره مسیح به شکل مکاشفاتی که به صورت روحانی از مسیح، از طریق افرادی که توسط او در حالت وجد انتخاب شده بودند، در انجمن‌ها یا برادری‌های نوپا، کاریزماتیک و مسیحی-روحانی دریافت می‌شد، به واقعیت پیوست.

بخش بزرگی از این مکاشفات در سال‌های منتهی به ۱۹۵۰ به صورت استنوگرافی ثبت و سپس به صورت نوشتاری درآمده و بعدها در ۱۲ جلد تحت عنوان «Libro de la Vida Verdadera» به معنای «کتاب زندگی حقیقی» منتشر شدند. در این سال‌های پایانی، تمام تعالیم پیشین به شکلی گسترش‌یافته و عمیق‌تر تکرار شدند. این کتاب حاوی مجموعه‌ای از متون این اثر است که با دقت انتخاب شده و تمام موضوعات مطرح‌شده در آن را در بر می‌گیرد.

این مجموعه از تعالیم مسیح، همراه با گزیده‌هایی که بر اساس موضوعات سازمان‌دهی شده‌اند، از همان ابتدا توسط خداوند به‌عنوان سومین عهد او برای بشریت و به‌ویژه برای مسیحیت در نظر گرفته شده بود. حقیقت این بیان سنگین باید از طریق این مقدمه برای خواننده روشن شود.

بر اساس کلام خداوند، دلیل انتخاب مکزیک به عنوان سرزمینی که در کتاب مقدس برای ظهور دوم مسیح تعیین شده است، این است که نیاکان بومی ساکنان امروزی آن، به نام او شهید شدند و توسط فاتحان اسپانیایی به زور «مسیحی» شدند. علاوه بر این، در طول قرن‌ها ستم و بردگی، این مردم و نوادگان امروزی‌شان روحیه‌ای برتر از سایر ملل زمین، به‌ویژه اروپاییان، در زمینه برادری، انسان‌دوستی، فروتنی قلب و مدارا پرورش داده‌اند. در نتیجه، بسیاری از ارواح پخته از «قوم برگزیده» باستانی اسرائیل در عصر حاضر در میان مردم مکزیک متولد شده و شاهد تحقق وعده‌های داده شده به «اسرائیل روحانی» بوده‌اند.

حتی تولد عیسی—آمدن نخست مسیح به جهان—نه در مراکز قدرت و تمدن در روم یا یونان، و نه حتی در اورشلیم، مرکز فرهنگ یهود، بلکه در حومه شهر و در شرایطی فروتنانه‌رخ داد؛ و زادگاه و حوزه اصلی فعالیت عیسی، جلیل بود که از سوی یهودیان اورشلیم تحقیر می‌شد. در این رابطه، کاتبان پیشین با روحیه‌ای از برتری‌جویی، اظهار داشتند: «آیا چیز خوبی از ناصرت بیرون می‌آید؟» الهی‌دانان امروزی نباید مرتکب همان خطا و اشتباه شوند و از سر احساس برتری فکری، در دل خود چنین بیندیشند: «آیا چیز خوب یا بزرگی از مکزیک بیرون می‌آید؟»

چه دلیلی وجود دارد که نشان دهد تجلیات معنوی آنجا واقعاً منشاء الهی دارند؟ بالاتر از همه، خودِ مکاشفات، که بی‌تردید آکنده از روح و ذهن مسیح و عشق و رحمت پدر آسمانی هستند. کدام قلب انسانی می‌تواند در برابر این بی‌تأثیر بماند؟ حکمت و ژرفای افکار، مکاشفات، اندرزها و تعالیم نیز گواهی گویایی بر گویندهٔ آنهاست. کدام روح فریبکار می‌تواند با نیت‌های شوم قادر به تظاهر به همهٔ اینها باشد؟ چنین نیت‌هایی چه شکلی می‌توانند داشته باشند، در حالی که این تعالیم تنها می‌توانند به بهبود، توسعه و والا کردن نوع بشر خدمت کنند؟

دلیل دیگری که اصالت این مکاشفات را به عنوان کلام جدید خدا تأیید می‌کند، این واقعیت است که این مکاشفات در طول یک دوره زمانی بسیار طولانی و از طریق کانال‌ها و مکان‌های مکاشفه بسیار متفاوت منتقل شده‌اند، اما با این حال، دارای ماهیتی واحد و روحی یکپارچه هستند و به وضوح به یک منبع واحد مکاشفه اشاره می‌کنند. چه قدرت تاریکی‌ای می‌تواند قادر باشد چنین چیزی را به مدت دهه‌ها در سراسر یک کشور به عنوان یک نمایش فریبنده به راه بیندازد — تا به خدا استهزا کند؟ این کاملاً غیرممکن است، و خدا، به عنوان پدر مهربان فرزندان انسانی‌اش و راهنمای اعظم سرنوشت‌های زمینی، هرگز اجازه چنین کاری را نخواهد داد.

دلایل قانع‌کننده‌ی بیشتری برای اصالت این مکاشفات به عنوان گواهی بر بازگشت روحانی مسیح در کلام، شباهت‌های میان وعده‌های عیسی درباره بازگشت خود و «نشانه‌های» آن، و رویدادهای مکزیک در دوره‌ای از وقایع زمین‌لرزه و تحول‌آفرین، از جمله دو جنگ جهانی، است. در این رابطه، باید به مقدمه‌ی جلد اول «کتاب زندگی حقیقی» با عنوان «آمدن دوباره مسیح در آینه‌های وعده‌های کتاب مقدس»، و همچنین به مطالعه‌ی ارنستو انکرلین با عنوان «کار روح‌القدس» اشاره کرد که هر دو توسط ریکل ورلاگ منتشر شده‌اند.

شهادت مهمی در مورد این منطقه از جهان—و در نتیجه در مورد مکزیک به عنوان محل بازگشت روحانی مسیح—در قرن نوزدهم توسط یاکوب لوربر، معروف به «نویسنده خدا»، به مسیحیت ارائه شد. در بخشی از اثر بزرگش در مکاشفه جدید، عیسی از بازگشت روحانی خود در کشوری در آن سوی اقیانوس بزرگ، یعنی اقیانوس اطلس، سخن می‌گوید (انجیل یوحنا به زبان یونانی ۹۴: ۱۴–۱۵). آیا این نباید برای کسانی که به مکاشفات لوربر ایمان دارند، و برای همه مسیحیان هوشیار از نظر روحانی، دلیلی باشد تا از خود بپرسند که آیا این پیشگویی از پیش محقق نشده است، و تحقیق کنند که آیا اتفاقی در یکی از کشورهای قاره آمریکا رخ داده است که چنین ادعایی را مطرح کرده و نیز به آن عمل می‌کند؟ با این حال، معیار داوری نباید تنها عظمت دانش مکاشفه شده درباره آفرینش، بلکه بالاتر از همه، عشق و حکمت الهی باشد که در آن بیان شده است.

چنین رویدادی واقعاً رخ داد و در اوایل دهه ۱۸۶۰ در مکزیک آغاز شد. مردی ساده از توده مردم به نام روکه روخاس، در ۲۳ ژوئن ۱۸۶۱، اولین تجربه فراخوانی خود را از طریق فرشته مقرب جبرئیل و در رؤیایی داشت که در آن مأموریتش به عنوان پیشگام زمینی خداوند به او

اعلام شد.* پس از آنکه از طریق رؤیای بزرگ دیگری از اصالت دعوت الهی خود مطمئن شد، شروع به گفتن پیام‌ها و رؤیاهای الهام‌بخش* ( ) به دیگران کرد که در حالت وجد بر او نازل شده بود و بدین ترتیب، از طریق قدرت اقناع و اعتبارش، به تدریج جامعه‌ای از مؤمنان را در اطراف خود گرد آورد. او به واسطه هدیه شفای روحانی که بعدها به او عطا شد، به طور گسترده‌ای شناخته شد و نزد همه کسانی که به دنبال کمک و مشاوره بودند، بسیار مورد احترام قرار گرفت. او اولین جایگاه عبادت خود را تأسیس کرد، جایی که در ۱ سپتامبر ۱۸۶۶، الیاس برای اولین بار از طریق او سخن گفت و هفت مرد و زن به عنوان رهبران جماعت‌های تازه‌تأسیس منصوب شدند که نماد هفت مهر و موم دوره‌های متناظر در تاریخ نجات بود.

**اطلاعات دقیق‌تر در این مورد را می‌توان در مقدمه کتاب *Die Dritte Zeit* (عصر سوم)، منتشر شده توسط Reichl Verlag، یافت.*

زمانی که شرکت‌کنندگان در گردهمایی‌ای در هفتهٔ مقدس سال ۱۸۶۹، احترام و تعهدی را که روکه روخاس از آنها انتظار داشت نشان ندادند، او در خشم مقدس فرو رفت و مکاشفات الهی‌ای را که تا آن زمان از طریق الیاس دریافت کرده بود، نابود ساخت. او محل گردهمایی را تعطیل اعلام کرد و بدین ترتیب کار مبارک خود را به پایان زودرس رساند. با این حال، بذر نیکی که او کاشته بود در مکان‌های دیگر ریشه دواند و شکوفا شد، و سال‌ها بعد، در سال ۱۸۸۴، در یکی از کلیساهای «هفت مهر»، خود مسیح برای اولین بار از طریق واسطه‌ای زن که به مأموریت وفادار مانده بود، سخن گفت. از آن پس، مکاشفات الهی بدون وقفه و در طی نسل‌ها تا پایان سال ۱۹۵۰ ادامه یافت.

تعداد کلیساها و مؤمنان در این دوره به طور پیوسته افزایش یافت، به طوری که این جنبش مسیحی-روحانی، که توسط مسیح به عنوان کار روحانی خود توصیف شده است، در نهایت شامل چندین صد کلیسا با هزاران پیرو در سراسر کشور بود.

مؤمنان به طور منظم صبح‌های یکشنبه در تالارهای ساده کلیسا یا در مکان‌های خصوصی گرد هم می‌آمدند، و هر جا که یک یا چند پیام‌رسان در دسترس بودند، روح‌القدس به طور همزمان، متناسب با نیازها و پذیرش شنوندگان، خود را آشکار می‌ساخت.

هفته یک بار، مراسم شفا برگزار می‌شد که در آن جهان روحانی خداوند از طریق تعلیم، مشاوره و شفا، خود را به صورت معنوی متجلی می‌ساخت. شفاهای معنوی بسیاری برای جسم و روح رخ داد، اما متأسفانه این موارد به صورت کتبی ثبت یا برای نسل‌های آینده مستندسازی نشدند. ظاهراً این امور امری غیرعادی یا شایسته انتقال به نسل‌های بعد تلقی نمی‌شدند.

با پایان یافتن مکاشفات الهی و مکاشفات از جهان روحانی خدا، که خداوند مدت‌ها پیش برای پایان ی ۱۹۵۰ اعلام و مقرر فرموده بود، شکاف عمیقی در «کار روح» (Spirit Work) ایجاد شد: یک انشقاق بین کلیساهایی که به این فرمان مسیح پایبند بودند و از مکاشفات روحانی بیشتر خودداری می‌کردند، و آن جماعت‌ها و رهبران جماعت‌هایی که به آن پایبند نبودند و اکنون به mediumهای خود اجازه می‌دادند که به حالت خلسه‌ای فرو روند، بدین ترتیب راه را برای ورود سیل جهان ارواح پایین‌تر و ارواح فریبنده برای مکاشفات دروغین مسیح و ارواح دیگر گشودند.

متأسفانه، این کلیساهای نافرمان برای مردم عادی بسیار جذاب‌تر از کلیساهای وفادار بودند، که اعضای آن‌ها عمدتاً در گروه‌های کوچک پراکنده شدند یا به اردوگاه دیگر پیوستند، زیرا کلیساهای نافرمان، عطش مردم برای سرگرمی و هیجان را بیشتر از عبادات ساکت که شامل خواندن متنی برای آموزش و سپس بحث در مورد معنای آن بود، برآورده می‌کردند.

با وجود این شرایط نامساعد، پس از سال ۱۹۵۰ گروهی از مردان و زنان – عمدتاً حاملان صدای پیشین – به گردآوری گفتارهای پراکنده‌شده در سراسر کشور پرداختند تا آن‌ها را در قالب کتاب منتشر کرده و به بشریت معرفی کنند. در این کار، آنها عمدتاً مجبور بودند به نسخه‌های ماشین‌نویسی‌شده‌ای تکیه کنند که خود کاتبان از روی یادداشت‌های رمزی گرفته‌شده در جلسات آن زمان تهیه کرده بودند و سپس بنا به درخواست، به عنوان نسخه توزیع می‌کردند. تعداد زیادی از نسخه‌های خطی مختلف سخنرانی‌ها گردآوری شد که از میان آن‌ها در نهایت ۳۶۶ مورد برای گنجانده شدن در مجلدات گردآوری‌شده «کتاب زندگی حقیقی» (Libro de la Vida Verdadera) انتخاب شدند؛ این عنوان به انگلیسی «کتاب زندگی حقیقی» (BOOK OF TRUE LIFE) نام دارد.

اگرچه این‌ها تنها بخش کوچکی از تمام پیام‌ها را تشکیل می‌دهند—به‌ویژه پیام‌های سال‌های پایانی پیش از ۱۹۵۰—همان‌طور که از یک دسته بزرگ دست‌نوشته پیام‌های ظاهراً منتشرنشده از ماترک یک واسطه سابق که تنها اخیراً «برملا» شده است، مشهود است—با توجه به این تعداد زیاد پیام، می‌توان فرض کرد که در مجموع، آنها حاوی تمام موضوعات و تعالیمی هستند که روح خدا می‌خواست به بشریت منتقل کند و می‌خواست آنها را در موردشان روشن‌گر باشد، تا اینکه راهی به سوی آینده‌ای روشن‌تر بیابند.

در سال ۱۹۶۲، نخستین مجموعه آلمانی این اثر کامل در آلمان با عنوان «Die Dritte Zeit» (عصر سوم) منتشر شد که برای اولین بار کلام وحیانی خداوند را به دایره محدودی از افراد در جهان آلمانی‌زبان معرفی کرد. از سال ۱۹۷۹، انتشارات رایشل (Reichl Verlag) نیز در حال انتشار جلدهای آلمانی «کتاب زندگی حقیقی» بوده است که از طریق کتابفروشی‌ها در دسترس هستند.

در دهه ۱۹۷۰، «انجمن مطالعات معنوی» در مکزیکو سیتی تأسیس شد که وظیفه مدیریت و حفظ دست‌نوشته‌های مکاشفات و انتشار نسخه‌های جدید مجموعه مقالات و نیز ادبیات همراه آن را بر عهده گرفت. تا به امروز، این انجمن همچنان این را وظیفه اصلی خود می‌داند، نه رهبری متمرکز یک جنبش مذهبی، که بر مسئولیت شخصی فرد در پرتو وجدان استوار است.

هر جا که این اثر را باز کنیم، کلمات و مکاشفات قانع‌کننده، حکیمانه و محبت‌آمیز مسیح را از طریق ابزارهای انسانی آماده شده‌اش - مردمی که برخی از آنها به ندرت تحصیلات دنیوی داشتند و اغلب حتی در زبان جاری از دهانشان نیز کاملاً مسلط نبودند، چه رسد به محتوا، حکمت و اقتدار الهی که در آن تجلی یافته بود - می‌خوانیم و به طور روحانی تجربه می‌کنیم.

از یک سو، این کلام نوین الهی حاوی تأییدها و توضیحاتی درباره رویدادها و مکاشفاتی است که مربوط به قوم باستانی اسرائیل و دوران زندگی و رسالت زمینی عیسی می‌شود؛ و از سوی دیگر، گنجینه‌ای از بینش‌های معنوی نوین را به ارمغان می‌آورد که برخی از آنها اصلاحات بنیادینی در

جهان‌بینی سنتی مسیحیت به شمار می‌روند. این موارد شامل تصویر خدا، طبیعت الهی عیسی و مریم، ماهیت بشر با جرقه‌ای ذاتی از خدا و رشد ابدی روح، تصورات بهشت و جهنم، روز واپسین یا قیامت، آموزهٔ نجات و آمرزش گناهان، رستاخیز از مردگان و زندگی جاودان می‌شود. در زمینه عمل به ایمان مسیحی و اشکال عبادت نیز، در برخی موارد استانداردها و اهداف جدیدی تعیین می‌شود، در حالی که سنت‌های آشنای گذشته مورد سؤال قرار گرفته یا رد می‌شوند؛ این امر به ویژه در مورد آیین‌های کلیسایی و ساختمان‌های مقدس صدق می‌کند.

پیام محوری با پیام عیسی مطابقت دارد: به جای اعمال دینی ظاهری و پارسایی ریاکارانه — یک زندگی درونی مبتنی بر نیایش و عمل فردی مطابق با وجدان خویش؛ به جای نیکوکاری حساب‌شده‌ای که از خودخواهی ناشی می‌شود — اقدامی خودجوش و فداکارانه از سر محبت به خدا، مردم و طبیعت، آفرینش خدا، که در آن «محبت» می‌تواند اشکال بسیاری به خود بگیرد: توجه، ملاحظه، احترام، شفقت، علاقه، تسلی، کمک و حمایت؛ به جای ایمانی خودپسندانه و کورکورانه — ایمانی زنده و بصیرت‌مند که از بینش و دانش معنوی زاده شده است.

در وحی‌های خود، خداوند در ابتدا کلام خویش را به مؤمنان حاضر خطاب کرد، کسانی که اغلب از آنها با عناوین «(قوم) من»، «شاگردان» یا «کارگران» یاد می‌کرد و گاهی نیز «اسرائیل (محبوب)». با این حال، در معنای وسیع‌تر، با چند استثنا، کلام او خطاب به کل اسرائیل روحانی، کل امت خدا در سراسر جهان، و به مردم تمام ملت‌ها، نژادها و ادیان است. اما آیا آنها با شادی این کلام نوین خدا را استقبال و به آن اعتراف خواهند کرد؟

این نباید بهانه‌ای برای تأسیس یک جماعت مذهبی، کلیسا یا فرقه جدید باشد. این فراخوانی خدا برای نو شدن و معنوی شدن بشریت و تمام نهادهای اجتماعی و مذهبی آن است. هر کس که عهدنامه سوم او برای بشریت را رد کند، خود او و روح‌القدسش را که در آن تجلی یافته است، رد می‌کند. امید است که هر کس این هشدار را از خود پیام جدید محبت الهی، و نیز هشدارهای نهفته در مَثَل‌های عیسی دربارهٔ «باکره‌های حکیم و احمق» (متی ۲۵: ۱-۱۳) و «عروسی شاهانه» (متی ۲۲: ۲-۱۴) با دقت در نظر گرفته و به دل بسپارد. زیرا این کلام، روغن مقدس برای چراغ‌های لرزان روح است؛ نان و شرابی از سفرهٔ خداوند، غذای ابدی و نشاط جان.

فهرست مطالب


پیش‌گفتار ..... 10

مقدمه ..... 12

۱. آمدن دوبارهٔ مسیح – عصر سومِ وحی ..... 31

*فصل ۱ – در انتظار آمدن دوبارهٔ مسیح* ..... 31

مروری مقدماتی بر تاریخ نجات ..... 31

امیدها و انتظارات ..... 32

وعده‌های کتاب مقدس ..... 33

نشانه‌های تحقق‌یافته ..... 34

فصل ۲ – سپیده‌دم عصر سوم ..... 36

اعلامیه نخست ..... 36

پیام‌ها و راهنمایی‌ها از سراسر جهان ..... 36

خدمت الیاس به‌عنوان پیشگام خداوند ..... 38

*فصل ۳ – خورشید معنوی ظهور دوم مسیح* ..... 40

آمدن خداوند ..... 40

چشم همه بر من خواهد افتاد ..... 41

فصل ۴ – هدایت از طریق وحی‌های الهی ..... 43

منبع وحی‌ها ..... 43

مکان‌های وحی و دریافت‌کنندگان وحی ..... 44

انتقال وحی‌های الهی ..... 46

شکل وحی‌ها ..... 49

محدودیت زمانی وحی‌ها ..... 50

فصل ۵ – دلیل وحی الهی نوین ..... 50

ارادهٔ خدا برای نجات ..... 50

از میان بردن خطاها و شکل‌های ظاهری پرستش ..... 51

روشنگری درباره زندگی حقیقی ..... 53

توسعه، معنوی‌سازی و نجات بشر ..... 55

فصل ۶ – عهدنامه سوم و کتاب بزرگ حیات ..... 56

کتاب عشق، حقیقت و حکمت خداوند ..... 56

فصل ۷ – تأثیر و اهمیت تعلیمات معنوی ..... 60

اثر وحی‌ها ..... 60

بینش و امید از کلام نو ..... 61

فصل ۸ – کلیساهای نوین مسیح، شاگردان، حواریون و پیام‌آوران خدا ..... 65

نور و سایه در کلیساهای مکاشفه ..... 65
شاگردی حقیقی، حواریون جدید ..... 69
II. نگاهی به دوره‌های اول و دوم وحی ..... 72
فصل ۹ – داستان‌ها و چهره‌های قوم اسرائیل ..... 72
داستان سقوط ..... 72
اراده آزاد و گناه نخستین ..... 73
طوفان ..... 73
آمادگی ابراهیم برای قربانی کردن ..... 74
خواب یعقوب درباره نردبان به سوی آسمان ..... 74
یوسف و برادرانش ..... 75
سفر قوم اسرائیل به رهبری موسی در بیابان ..... 75
مبارزهٔ ایلیا برای خدای حقیقی ..... 76
دوازده قبیلهٔ اسرائیل ..... 77
پیامبران و پادشاهان نخست اسرائیل ..... 77
فصل ۱۰ – هنگامی که زمان به سر آمد ..... 78
وحی‌های نبوی ..... 78
انتظار مسیح در میان قوم یهود ..... 78
مریم، مادر زمینی عیسی ..... 79
تقدیس طفل عیسی ..... 79
پیوند محبت میان عیسی و مریم ..... 79
دانش و حکمت عیسی ..... 79
کم‌فهمیِ مردم ناصرت ..... 80
فصل ۱۱ – رسالت عیسی بر روی زمین ..... 81
تعمید در رود اردن؛ زمان آمادگی در بیابان ..... 81
اتحاد عیسی با خدا ..... 81
عدم شناسایی عیسی به‌عنوان مسیح موعود ..... 82
عیسی به‌عنوان مهمان-نجات‌دهنده در میان مردم عادی ..... 82
عیسی، موعظه‌گر خستگی‌ناپذیر ..... 82
عشق عیسی به کودکان و طبیعت ..... 83
آموزه‌های عیسی ..... 83
«معجزات» عیسی ..... 84
زن زناکار ..... 85
مریم مجدلیه ..... 86
نیقودیموس و مسئله تناسخ روح ..... 86

تجلی عیسی ..... 87
کبود شجاعت برای اعتراف ..... 87
دشمنی با عیسی ..... 87
اعلامیه وداع ..... 88
ورود عیسی به اورشلیم ..... 89
عشای آخر ..... 89
فصل ۱۲ – رنج، مرگ و رستاخیز ..... 90
مبارزات و رنج‌های مادام‌العمر عیسی ..... 90
خیانت یهودا ..... 91
رنج‌های عیسی ..... 91
عمل رستگاری عیسی در عوالم پس از مرگ ..... 95
تجلی عیسی پس از رستاخیز او ..... 96
فصل ۱۳ – مأموریت و اهمیت عیسی و حواریون او ..... 97
اصلاح تصویر کهن از خدا و سنت‌های او ..... 97
سرمشق عیسی ..... 97
اهمیت تعلیمات عیسی ..... 98
فراخوانی، آموزش و آزمون‌های حواریون عیسی ..... 98
رسول یوحنا ..... 99
حواریون پطرس و پولس ..... 100
ماهیت الگویی حواریون ..... 101
گسترش مسیحیت ..... 101
III. عصر مسیحیت نهادی ..... 102
فصل ۱۴ – مسیحیت، کلیساها و فرقه‌ها ..... 102
توسعه مسیحیت ..... 102
عشای ربانی و قداس ..... 104
تعمید ..... 105
یادبود مردگان ..... 106
نمادهای مادی، صلیب‌ها و اشیاء مقدس ..... 107
تقدیس قدیسان ..... 107
جشن‌های کلیسایی ..... 108
حضور خدا علی‌رغم اشکال نادرست پرستش ..... 109
فصل ۱۵ – مسیحیان اسمی، بدعت‌ها و سوءاستفاده‌های کلیسایی ..... 110
مسیحیان اسمی ..... 110
بی‌خدایان و متعصبین مذهبی ..... 111

تحریفات تعالیم عیسی و پیامدهای آن ..... 112
انحرافات و سوءاستفادهها در مسیحیت ..... 113
IV. قانون – عشق به خدا و عشق به همسایه ..... 115
فصل ۱۶ – قانون الهی ..... 115
قدرت قانون الهی ..... 115
قانون عشق الهی در اثر معنوی ** ..... 115
بیتوجهی به قوانین الهی و پیامدهای آن ..... 116
تکمیل عالیترین قانون ..... 117
فصل ۱۷ – راه نوین پرستش خدا ..... 118
توسعهٔ اشکال عبادت ..... 118
نمازهای سطحی بدون اخلاص و ایمان ..... 119
چهار جنبهٔ نیایش کامل ..... 121
نیایش خودجوش از دل بدون کلمات ..... 122
روز استراحت به عنوان روز تأمل درونی ..... 124
بخواهید تا به شما داده شود ..... 125
برکت شفاعت ..... 126
ضرورت دعا ..... 127
اثرات مفید یک زندگی پر از نیایش ..... 127
قدرت دعا ..... 128
عشق به خدا و همنوع، به مثابه پرستش خدا ..... 129
گفتگو میان خدا و انسان ..... 130
فصل ۱۸ – اعمال نیکوکاری و اهمیت محوری عشق ..... 132
برکات گذشتهی اعمال نیک ..... 132
صدقه حقیقی و باطلی ..... 133
اعمال محبت معنوی و مادی ..... 134
معنای فراگیر عشق ..... 135
قدرت برتر عشق ..... 137
و. اشکال وحی و کار خدا ..... 137
فصل ۱۹ – تثلیث خدا ..... 137
اتحاد خدا با مسیح و روحالقدس ..... 137
سه راهی که خدا خود را آشکار میسازد ..... 138
خداوند به عنوان روح آفریننده و پدر ..... 140
مسیح، محبت و کلام خدا ..... 141
روحالقدس — حقیقت و حکمت خدا ..... 142

فصل ۲۰ – مریم، عشق مادری خداوند ..... 142
زندگی زمینی مریم در فروتنی ..... 142
مریم و عیسی ..... 143
پاکزگی مریم ..... 143
مریم به عنوان الگویی برای زنان ..... 144
مریم به‌عنوان شفیع، تسلی‌بخش و هم‌آمرزش‌کنندهٔ بشر ..... 145
ماهیت الهی مریم ..... 146
نور جهانی مریم ..... 147
فصل ۲۱ – قدرت مطلق، حضور همه‌جا و عدالت خداوند ..... 147
قدرت خدا ..... 147
حضور خداوند در تمام آفرینش ..... 148
عدالت الهی ..... 150
فصل ۲۲ – عشق، مراقبت و فیض خدا ..... 152
محبت پدر آسمانی ..... 152
مراقبت و یاری خدا ..... 153
تواضع اعلی ..... 155
دلسوزی خدا و رنج مشترک ..... 156
آمرزش، فیض و رحمت خدا ..... 156
فصل ۲۳ – الهامات و وحی‌ها از خداوند ..... 157
الهامات الهی ..... 157
تطبیق وحی‌های الهی با درک انسانی ..... 158
ضرورت وحی‌های الهی ..... 160
بی‌کرانگی وحی‌های الهی ..... 161
تجلی حضور خدا در انسان ..... 162
VI. آفرینش ..... 162
فصل ۲۴ – آفرینش معنوی و مادی ..... 162
آفرینش موجودات روحانی ..... 162
کار بزرگواران در آیین آفرینش ..... 163
افکار خداوند دربارهٔ تدبیر ..... 163
آفرینش جهان‌های مادی برای موجودات روحانی ..... 163
آفرینش انسان ..... 164
حافظهٔ بهشت ..... 164
ماهیت انسان ..... 165
وحدت خالق با مخلوق ..... 165

فصل ۲۵ – طبیعت ..... 166
قوانین طبیعت ..... 166
طبیعت، آفرینش خدا و تمثیلی برای امور معنوی ..... 166
قدرت فرزندان خدا بر طبیعت ..... 167
انسان و طبیعت ..... 167
فصل ۲۶ – عوالم دیگر ..... 169
نور جهانی مسیح ..... 169
ارتباط معنوی میان عوالم ..... 170
آشنایی با جهان‌ها و اشکال حیات دیگر ..... 170
هدف ستارگان ..... 171
فصل ۲۷ – آخرت ..... 171
دانش ضروری زندگی روحانی ..... 171
«بهشت» و «دوزخ» ..... 172
موسیقی آسمان ..... 174
در خانه پدرم «اقامتگاه‌های» بسیاری هست ..... 175
VII مسیر تکامل به سوی کمال ..... 175
فصل ۲۸ – مردن، مرگ و بیداری در آخرت ..... 175
جاودانگی روح ..... 175
آمادگی برای ترک این جهان ..... 176
گذار به جهان دیگر ..... 177
«خواب مرگ» ..... 178
دیدار در آخرت ..... 178
داوری روح توسط وجدان خویش ..... 178
: بازیابی آگاهی معنوی ..... 181
فصل ۲۹ – تطهیر و صعود ارواح در آخرت ..... 182
مصیبت وجدان، پشیمانی و سرزنش خود ..... 182
عدالت جبرانی ..... 182
عروج ارواح به ملکوت خدا ..... 184
فصل ۳۰ – تکامل روح از طریق تناسخ‌ها ..... 185
قانون تکامل ..... 185
«رستاخیز جسمانی» — درک صحیح آن ..... 186
مراحل گوناگون تکامل ارواح ..... 187
دانش از زندگی‌های زمینی پیشین و سطح تکامل خود ..... 188
عشق به عنوان ضرورتی برای رشد معنوی و عاطفی ..... 188

دلایل مختلف برای تناسخ ..... 189
راه کمال ..... 189
مدرسه جهانی زندگی ..... 190
قدرت متقاعدکنندهٔ آموزهٔ تناسخ ..... 192
راه‌های تناسخ روح ..... 192
فصل ۳۱ – نجات، رستگاری و نجات ابدی ..... 194
اصلاح تصورات غلط دربارهٔ کفاره ..... 194
«بهشت» باید به دست آید ..... 196
قدرتمندترین نیرو برای رستگاری ..... 198
نجات و رستگاری برای هر روح ..... 199
آینده باشکوه فرزندان خدا ..... 201
*VIII*. انسان ..... 202
فصل ۳۲ – تجسد، طبیعت و هدف انسان ..... 202
تجسد در زمین ..... 202
ارزیابی صحیح بدن و هدایت آن توسط روح ..... 203
اهمیت و هدفِ جان، روح و وجدان در انسان‌ها ..... 204
معبد خدا در درون انسان ..... 207
فصل ۳۳ – زن و مرد، والدین و فرزندان، ازدواج و خانواده ..... 208
رابطه میان زن و مرد ..... 208
ماهیت و نقش انسان ..... 209
زن، همسر و مادر ..... 210
تربیت کودکان و جوانان ..... 211
کلمه‌ای برای کودکان و بزرگان ..... 212
ازدواج و خانواده ..... 213
فصل ۳۴ – اراده آزاد و وجدان ..... 214
اهمیت وجدان و اراده آزاد ..... 214
سوءاستفاده از اراده آزاد ..... 216
ضرورت توجه به ندای وجدان ..... 217
مبارزه میان اراده آزاد و وجدان ..... 218
تیز کردن وجدان از طریق کلام نوین خدا ..... 219
فصل ۳۵ – قدرت افکار، احساسات و اراده ..... 220
انتقال و دریافت افکار و آثار آن ..... 220
فقدان خودکامگی ..... 222
بخش نهم: تعالیم حکمت الهی ..... 222

فصل ۳۶ – ایمان، حقیقت و دانش ..... 222
ایمانی که بر همه چیز غلبه می‌کند ..... 222
دانش معنوی و الهی ..... 224
پیش‌نیازهای دانش معنوی ..... 225
گسترش ضروری آگاهی انسان ..... 226
فصل ۳۷ – درک صحیح متون کتاب مقدس ..... 227
تفسیر کلمات و وعده‌های کتاب مقدس ..... 227
مکاشفه عیسی از طریق حواری یوحنا ..... 230
فصل ۳۸ – سه دورهٔ وحی و هفت عصر مُهرها ..... 230
وابستگی وحی‌های الهی به تکامل ..... 230
سه عهد خدا ..... 232
عصر سوم ..... 233
هفت عصر تاریخ نجات ..... 234
فصل ۳۹ – اسرائیل زمینی و روحانی ..... 236
مأموریت تاریخی اسرائیل، شکست آن ..... 236
تقسیم قوم یهود به دو دسته با طبیعت زمینی و با طبیعت روحانی ..... 237
قوم روحانی اسرائیل ..... 238
۱۴۴۰۰۰ برگزیده و نشان‌دار ..... 240
فصل ۴۰ – نیروهای خیر و شر ..... 242
منشأ خیر و شر ..... 242
کبر و فروتنی ..... 244
نیکی، انسان نیک‌خواه ..... 245
شر، و انسانی که در برابر شر تسلیم شده است ..... 246
مبارزه میان نیکی و شر ..... 246
وسوسه‌ها و فریب‌ها ..... 247
جرایم اخلاقی ..... 248
ناتوانی و گذرا بودن شر ..... 248
قدرت بخشش ..... 248
فصل ۴۱ – ارتباط میان این جهان و آخرت ..... 249
الهام و حمایت از جهان معنوی ..... 249
ارواح سردرگم و بدخواه ..... 251
مبارزه ارواح برای بشریت ..... 253
ارتباط با جهان معنوی خدا ..... 254
فصل ۴۲ – گناه و کفاره، آزمون‌ها و رنج ..... 255

ضرورت توبه و کفاره ..... 255
قانون کفاره ..... 256
علت آزمون‌ها و رنج‌ها ..... 257
ایمان، تسلیم و فروتنی در آزمایش‌ها ..... 258
معنای رنج و درد ..... 259
فصل ۴۳ – بیماری، شفا و تجدید ..... 260
منشأ و معنای بیماری ..... 260
شفا یافتن از طریق نیروی خود ..... 260
نوزایی بشریت ..... 262
فصل ۴۴ – زندگی در مفهوم الهی ..... 262
تعادل ضروری ..... 262
لذات خوب و فانی ..... 263
ثروت مبارک و شوم ..... 263
قانون بخشش ..... 264
انجام وظایف و تکالیف ..... 265
فصل ۴۵ – جبر، معنا و تحقق در زندگی ..... 266
تقدیر الهی و هدف در سرنوشت انسان ..... 266
در مکتب زندگی ..... 268
معنی و ارزش زندگی انسان ..... 268
X مادی‌گرایی و معنوی‌گرایی ..... 270
فصل ۴۶ – انسان گمراه و مادی ..... 270
سستی ذهنی، جهل و تکبر انسان ..... 270
عدم تمایل به فداکاری، تلاش و پذیرش مسئولیت ..... 272
رنج معنوی بشر ..... 273
رفتارهای نادرست زمینی و پیامدهای آنها ..... 275
فصل ۴۷ – مادی‌گرایی و معنوی‌گرایی ..... 276
پیامدهای مادی‌گرایی حاکم ..... 276
جوهر معنویت‌گرایی ..... 277
چه کسی می‌تواند به‌درستی خود را یک معنویت‌گرا بنامد؟ ..... 277
روح‌گرایی در ادیان و فرقه‌ها ..... 278
فصل ۴۸ – هدایای معنوی و معنویت ..... 279
توانایی‌های معنوی بشر ..... 279
پیش‌نیازها و ویژگی‌های معنویت راستین ..... 281
اثرات مفید معنویت ..... 282

فصل ۱۱ – بشریت ..... 283
فصل ۴۹ – دین و اجرای عدالت ..... 283
هیچ دین یا فرقه‌ای، ایمان حقیقی و یگانه نیست ..... 283
تندروی ادیان در برابر توسعه ..... 284
رابطه بین دین و علم ..... 285
سختی و بی‌عدالتی عدالت زمینی ..... 286
خودبرتربینی سنگدلانهٔ انسان ..... 286
عدالت زمینی به مثابه یک شرّ لازم ..... 287
فصل ۵۰ – آموزش و علم ..... 287
خودبینی و غرور دانش ..... 287
پیامدهای تفکر عقلانی مادی ..... 288
الهام بخشیدن به اکتشافات علمی جدید توسط خدا و جهان معنوی ..... 291
گرامیداشت دانشمندانی که برای خیر بشریت کار می‌کنند ..... 292
فصل ۵۱ – حاکمان، سوءاستفاده از قدرت و جنگ‌ها ..... 293
توهم زودگذر قدرت و عظمت دنیوی ..... 293
استفاده خودسرانه از قدرت بر مردم و ملت‌ها ..... 294
تأملاتی در مورد جنگ جهانی دوم ..... 295
قابل سرزنش بودن و بیهودگی جنگ‌ها ..... 296
فصل ۵۲ – بی‌عدالتی و زوال بشریت ..... 297
تسخیر و استثمار ضعیفان توسط قدرتمندان ..... 297
فساد انسانیت ..... 299
جهان وارونهٔ بشریتی نابالغ ..... 300
۱۲ داوری و تطهیر بشر ..... 301
فصل ۵۳ – زمان داوری فرا رسیده است ..... 301
چیدن محصول بذرهای پاشیده‌شده توسط انسان ..... 301
تطهیر بشریت در روز جزا ..... 302
عشق خدا در داوری ..... 304
فصل ۵۴ – نبرد میان جهان‌بینی‌ها، ادیان و کلیساها ..... 304
نبردهای روحانی پیش از پادشاهی صلح مسیح بر زمین ..... 304
مبارزه برای برتری معنوی بر زمین ..... 305
ستم بر تعلیمات معنوی ..... 306
نادیده گرفتن یا مخالفت با مکاشفات و شفای معنوی ..... 308
فصل ۵۵ – تطهیر زمین و بشر در قیامت ..... 308
صدای هشدارآمیز خدا و طبیعت در مورد داوری تطهیرکننده ..... 308

قدرت و سلطه شر شکسته خواهد شد ..... 310
جنگ‌های آخرالزمانی، همه‌گیری‌ها، طاعون‌ها و ویرانی ..... 311
طبیعت و بلایای طبیعی ..... 312
عدالت عاشقانه و محربانانه خداوند ..... 314
اثر داوری ..... 314
۱۳. دگرگونی و تحقق جهان و آفرینش ..... 315
فصل ۵۶ – پیروزی و شناخت کار معنوی مسیح ..... 315
گسترش تعلیمات معنوی از طریق پیامبران خدا ..... 315
مبارزه برای به رسمیت شناختن کلام نو ..... 316
قدرت تعلیم روح‌القدس ..... 316
تحقق آمدن دوباره مسیح در سراسر جهان ..... 317
فصل ۵۷ – توبه و تغییر در تمام زمینه‌ها ..... 318
دیدگاه‌های نو و عمیق‌تر ..... 318
روشنگری از طریق انسان‌های فرستاده شده از سوی خدا ..... 319
تغییر و تحول بشریت ..... 320
تغییرات و آشوب‌ها در تمام عرصه‌های زندگی ..... 322
فصل ۵۸ – پادشاهی صلح مسیح و تکامل آفرینش ..... 324
قدرت حاکم در پادشاهی صلح مسیح ..... 324
انسان نو ..... 324
زمین به‌عنوان سرزمین موعود و انعکاس ملکوت آسمان ..... 325
کمال آفرینش ..... 327
سرود ستایش برای هماهنگی بازیافته‌شدهٔ آفرینش ..... 328
۱۴ مأموریت تبشیری ..... 329
فصل ۵۹ – مأموریت برای انتشار کلام جدید خدا ..... 329
دستورالعمل‌هایی برای تولید جلدها، نسخه‌های مختصر و ترجمه‌ها ..... 329
حق شناختن کلام نوین خدا ..... 329
دستورالعمل‌هایی برای نشر تعلیمات معنوی ..... 330
فصل ۶۰ – کار کردن در روح مسیح ..... 331
ویژگی‌ها، فضایل و توانایی‌های اساسی حواریون جدید ..... 331
رویکرد صحیح به انتشار کلام ..... 334
مأموریتی برای تسلی و شفا بخشیدن به رنج‌دیدگان جسم و روح ..... 338
زمان آغاز مأموریت جهانی ..... 340
XV. پندها، هشدارها، تعالیم ..... 340
فصل ۶۱ – پندها و هشدارها از سوی خداوند ..... 340

احکام و دستورالعمل‌ها ..... 340
ایمان، امید، عشق، فروتنی، اعتماد به نفس ..... 341
نیایش، مطالعه، هوشیاری، نوآوری و معنویت ..... 342
هشدارهایی خطاب به کلیساهای مکاشفه ..... 344
هشدار در مورد ادامه وحی‌ها پس از سال ۱۹۵۰ و «وحی‌های دروغین مسیح» ..... 344
رذایل، ریاکاری، انحطاط ..... 346
توبهٔ دروغین و انتظارات دروغین ..... 347
هشداری به ملت‌ها و قدرتمندان زمین ..... 348
فصل ۶۲ – سخنان برای حضار مکزیک ..... 348
سخنانی برای شنوندگان حاضر در مکزیک ..... 348
فصل ۶۳ – تعالیم برای جماعت‌ها و همهٔ شاگردان مسیح ..... 360
کار روحانی مسیح ..... 360
اسرائیل معنوی و قوم یهود ..... 367
شاگردی و معنویت ..... 369
توسعه ..... 376
تطهیر و کمال ..... 379
این سو و آن سوی قلمرو زمینی ..... 382
وحی‌های الهی ..... 385
انسان و سرنوشتش ..... 387
رذایل، گناهان، خطاها ..... 391
تطهیر و معنوی‌سازی بشریت ..... 393
XVI. پیشگویی‌ها و تمثیل‌ها، تسلی و وعده ..... 394
فصل ۶۴ – پیشگویی‌ها ..... 394
تکمیل پیشگویی‌های کهن و نو ..... 394
نبوت بزرگ برای ملت‌ها، ۱۰ ژانویه ۱۹۴۵، در آستانه پایان جنگ جهانی دوم ..... 395
جنگ‌ها و بلایای طبیعی — نشانه‌هایی در آسمان‌ها ..... 396
پیشگویی در مورد تقسیم جماعت‌های مکزیک ..... 397
فصل ۶۵ – تمثیل‌ها، تسلی و وعده ..... 397
تمثیل امانت‌داران ناعادل ..... 397
تمثیل سفر از بیابان به سوی شهر بزرگ ..... 398
تمثیل بزرگ‌منشی پادشاه ..... 401
مژده‌ها و برکات ..... 402
دلگرم‌کننده‌هایی برای رشد معنوی ..... 402
ندای خدا ..... 403

فراخوانی به مردم این عصر: ..... 403
فراخوانی به روشنفکران: ..... 404
فراخوانی برای خستگان و باربران: ..... 404
دعوتی به اسرائیل روحانی: ..... 404
تعالیم الهی در مکزیک ۱۸۶۶–۱۹۵۰ ..... 405

## ۱. آمدن دوبارهٔ مسیح – عصر سوم وحی

### *فصل ۱ – در انتظار آمدن دوبارهٔ مسیح*

#### مروری مقدماتی بر تاریخ نجات

۱. در ابتدای زمان، جهان فاقد عشق بود. نخستین انسان‌ها از درک و احساس آن قدرت الهی — آن جوهر روح، سرچشمهٔ تمام آفرینش — بسیار دور بودند.

۲. آنها به خدا ایمان داشتند، اما فقط قدرت و عدالت را به او نسبت می‌دادند. مردم معتقد بودند که می‌توانند زبان الهی را از طریق عناصر طبیعت درک کنند؛ بنابراین، هنگامی که طبیعت را مهربان و آرام می‌دیدند، گمان می‌بردند که خداوند از اعمال بشر خشنود است؛ اما زمانی که نیروهای طبیعت رها می‌شد، معتقد بودند که در این امر، خشم خداوند را می‌بینند که به این شکل متجلی می‌شود.

۳. در دل مردم، این تصور از خدایی هولناک ریشه دوانده بود؛ خدایی که خشم و میل به انتقام در سر داشت. در نتیجه، هنگامی که گمان می‌بردند به خدا بی‌احترامی کرده‌اند، قربانی‌های سوختنی و ذبح‌ها را به امید راضی کردن او تقدیم می‌کردند.

۴. به شما می‌گویم که آن قربانی‌ها از سرِ محبت به خدا نبودند: بلکه ترس از عدالت الهی، هراس از مجازات، بود که نخستین اقوام را واداشت تا به پروردگارشان خراج نثار کنند. ۵. آنها به سادگی روح الهی را «خدا» می‌نامیدند، اما هرگز «پدر» یا «آقا» نخواندند.

۶. این پدربزرگ‌ها و پیامبران اول بودند که شروع به کمک به مردم کردند تا بفهمند که گرچه خدا در واقع عدالت بود — بله، اما عدالتی کامل — او بالاتر از همه یک پدر بود و به عنوان یک پدر، همه مخلوقاتش را دوست داشت.

۷. گام به گام، بشریت به آرامی در مسیر رشد معنوی خود پیشرفت کرد و به زیارت خود ادامه داد، از دوره‌ای به دوره‌ی دیگر گذشت و از طریق وحی‌هایی که خداوند در طول اعصار به فرزندانش عطا کرده است، اندکی بیشتر از راز الهی آموخت.

۸. با این حال، بشریت به دانش کامل عشق الهی دست نیافت؛ زیرا او را به عنوان یک پدر به راستی دوست نداشت و نمی‌توانست در قلب خود عشقی را که پروردگارش همواره به او نشان داده بود، احساس کند.

۹. ضروری بود که عشق کامل انسان شود، تا «کلمه» تجسم یابد و بدنی ملموس و قابل رؤیت برای بشر به خود گیرد، تا سرانجام انسان‌ها تجربه کنند که خداوند تا چه عمق و به چه شکلی آن‌ها را دوست می‌داشت.

۱۰. همه حضور پدر را در عیسی شناختند. با توجه به اینکه عیسی حتی نسبت به آن « »هایی که به او توهین می‌کردند فروتن، دلسوز و مهربان بود، چگونه می‌توانستند او را بشناسند؟ آنها خدا را در برابر دشمنانش قوی و مغرور، و نسبت به کسانی که به او بی‌احترامی می‌کردند، قضاوت‌گر و هولناک تصور می‌کردند.

۱۱. با این حال، همان‌طور که بسیاری آن سخن را رد کردند، بسیاری نیز به آن ایمان آوردند — آن سخنی که به اعماق قلب نفوذ می‌کرد. آن روش شفا بخشیدن به رنج و بیماری‌های لاعلاج تنها با یک نوازش، یک نگاه سرشار از شفقت بی‌نهایت، یا یک کلام امید، آن تعلیم، که وعده‌ی جهانی نو و زندگی‌ای سرشار از نور و عدالت بود، دیگر نمی‌توانست از قلب بسیاری که دریافته بودند این انسان الهی، حقیقتِ پدر و عشق الهی آن کسی بود که مردم او را نمی‌شناختند و از این رو نمی‌توانستند او را دوست بدارند، پاک شود.

۱۲. بذر آن حقیقت والاتر برای همیشه در دل بشریت کاشته شد. مسیح بذرپاش بود و او هنوز نیز مراقب کاشت خود است. پس از آن، او میوهٔ خویش را درو خواهد کرد و برای همیشه از آن شادمان خواهد شد. آنگاه دیگر در کلام خویش نخواهد گفت: «گرسنه‌ام» یا «تشنه‌ام»، زیرا سرانجام فرزندانش او را چنانکه او از ابتدا آنها را دوست داشته، دوست خواهند داشت.

۱۳. چه کسی دربارهٔ مسیح با شما سخن می‌گوید، ای حواریون؟ خود او.

۱۴. این منم، «کلمه»، که ای بشریت، بار دیگر با شما سخن می‌گویم. مرا بشناسید؛ به خاطر فروتنی‌ای که در آن خود را آشکار می‌سازم، در حضورم شک نکنید. با من، هیچ غروری نمی‌تواند وجود داشته باشد.

۱۵. مرا از طریق راهی که زمانی در جهان پیمودم بشناسید؛ به یاد داشته باشید که من به همان فروتنی که زاده شدم و زندگی کردم، مردم. (۲۹۶، ۴–۱۶)

**امیدها و انتظارات**

۱۶. پس از رفتن من در «عصر دوم»، بازگشت من از نسلی به نسل دیگر در میان کسانی که ایمان خود را به من حفظ کردند، انتظار می‌رفت. وعده الهی از والدین به فرزندان منتقل می‌شد و کلام من اشتیاق برای گواهی بازگشتم را زنده نگه می‌داشت.

۱۷. هر نسل خود را برگزیده می‌دانست، در انتظار آنکه کلام پروردگارشان در آنها محقق شود.

۱۸. و این‌گونه زمان گذشت، و نسل‌ها آمدند و رفتند، و وعدهٔ من بیش از پیش از دل مردم رخت بربست، و آنان فراموش کردند که بیدار بمانند و دعا کنند. (۳۵۶، ۴–۵)

۱۹. جهان در حال آزمون است؛ ملت‌ها بار کامل عدالت مرا که بر آنان فرود می‌آید، احساس می‌کنند، و نور من، صدایم که به شما می‌خواند، در سراسر بشریت حس می‌شود.

۲۰. مردم حضور مرا حس می‌کنند؛ آنها پرتو جهانی مرا هنگامی که فرود می‌آید و بر آنها می‌نشیند، درک می‌کنند. آنها حضور مرا بدون آنکه این اثر* را بشناسند، و بدون آنکه کلامم را شنیده باشند، حس می‌کنند و ارواح خود را به سوی من، ، بالا می‌برند تا از من بپرسند: «پروردگارا، ما در چه زمان‌هایی زندگی می‌کنیم؟ این مصیبت‌ها و رنج‌هایی که بر بشریت نازل شده است — پدر، معنای آنها چیست؟» آیا ناله‌های این جهان را نمی‌شنوی؟ مگر نگفتی که باز خواهی گشت؟ پس، ای خداوند، کی خواهی آمد؟» و در هر گروه ایمانی و جماعت مذهبی، روح فرزندانم برمی‌خیزد، و مرا می‌جویند، از من التماس می‌کنند، از من می‌پرسند و منتظرم هستند. (۲۲۲، ۲۹)

** مکاشفات مسیح در آمدن دوبارهٔ خویش در «کلمه»، به صورت روحانی، که در سال ۱۸۶۶ در مکزیک از طریق پیشگام، ایلیا، آغاز شد.*

۲۱. مردم از من می‌پرسند و به من می‌گویند: «ای خداوند، اگر تو وجود داری، چرا خود را در میان ما آشکار نمی‌کنی، در حالی که در زمان‌های دیگر به جهان زمینی ما فرود آمده‌ای؟» چرا امروز نمی‌آیی؟ آیا بی‌خدایی ما اکنون چنان عظیم است که مانع از یاری رساندن تو به ما می‌شود؟ تو همواره در جستجوی گم‌گشتگان، «کور» و «برص‌زدگان» بوده‌ای — اکنون جهان پر از آنهاست. آیا دیگر رحمت تو را برمی‌انگیزیم؟

۲۲. تو به حواریون خود گفتی که به بشر بازخواهی گشت و نشانه‌هایی از آمدنت خواهی داد، که ما اکنون گمان می‌کنیم در حال دیدن آن هستیم. چرا چهره‌ات را به ما نشان نمی‌دهی؟»

۲۳. بنگر، این‌گونه مردم در انتظار من هستند، بی‌آنکه دریابند که من در میان ایشانم. من پیش روی چشم‌هایشان هستم و مرا نمی‌بینند؛ با ایشان سخن می‌گویم و صدایم را نمی‌شنوند؛ و هنگامی که سرانجام برای لحظه‌ای مرا می‌بینند، مرا انکار می‌کنند. با این حال، من همچنان به خود گواهی می‌دهم و همچنان در انتظار کسانی خواهم ماند که به من امید دارند.

۲۴. اما به راستی، نشانه‌های ظهور من در این عصر بزرگ بوده‌اند؛ حتی خون انسان‌ها که سیل‌آسا ریخته و زمین را آغشته کرده است، زمان حضور من در میان شما به عنوان روح‌القدس را اعلام کرده است. (۶۲، ۲۷–۲۹)

۲۵. هیچ‌کس نباید از حضور من غافلگیر شود. من از طریق عیسی، پیش از این رویدادهایی را که نویدبخش ظهور من به عنوان روح حقیقت خواهد بود، به شما نشان داده بودم. من همچنین به شما گفتم که آمدن من در روح خواهد بود، تا هیچ‌کس انتظار تجلیات مادی را که هرگز رخ نخواهد داد، نداشته باشد.

۲۶. به قوم یهود بنگرید، چگونه هنوز در انتظار مسیح هستند، اما او به شکلی که انتظار دارند نمی‌آید، زیرا آن حقیقی پیش از این در میان آنها بود و او را نشناختند.

۲۷. ای بشریت، آیا وحی جدید مرا به رسمیت نمی‌شناسید، تا بتوانید به جای پایبندی به آنچه من به شما وعده داده‌ام، بر اساس تصورات خود از ایمان به انتظار من ادامه دهید؟ (۹۹، ۲)

۲۸. جهان نباید منتظر مسیحایی جدید باشد. همان‌طور که وعده بازگشت دادم، به شما نیز اطلاع داده‌ام که آمدن من روحانی خواهد بود؛ اما مردم هرگز نیاموخته‌اند که چگونه خود را برای پذیرش من آماده کنند.

۲۹. در آن زمان، مردم شک داشتند که خدا می‌تواند در درون عیسی، که او را همچون هر انسان دیگری و بیش از یک فرد عادی نمی‌دانستند، پنهان باشد. با این حال، بعدها، با توجه به معجزات عظیم مسیح، مردم به این باور رسیدند که «کلمه» خدا در آن مردی که در جهان زاده شد، رشد کرد و مرد، وجود داشت. اما در عصر حاضر، بسیاری از مردم تنها در صورتی آمدن مرا به رسمیت می‌شناسند که همچون عصر دوم، به صورت یک انسان بیایم.

۳۰. شواهدی که من در روح می‌آیم و بدین ترتیب خود را به بشریت می‌نمایانم، با وجود گواهی‌ها، توسط همه شناخته نخواهد شد، زیرا مادی‌گرایی چون حجاب تاریکی بر چشم بسیاری خواهد بود.

۳۱. چه کسان زیادی هنوز دوست دارند مسیح را بار دیگر در جهان رنجور ببینند و معجزه‌ای از او دریافت کنند تا به حضور یا هستی او ایمان آورند. اما به راستی، به شما می‌گویم، بر این زمین دیگر نه آخوری برای گواهی تولد من به صورت انسان خواهد بود و نه گولگوتای دیگری برای گواهی مرگ من. اکنون، همه کسانی که به زندگی حقیقی برمی‌خیزند، تولد مرا در دل‌های خود احساس خواهند کرد، همان‌طور که همه کسانی که لجبازانه بر گناه پافشاری می‌کنند، مرگ مرا در دل‌های خود احساس خواهند کرد. (۸۸، ۲۷–۲۹)

۳۲. بنگرید که در این عصر، چه تعداد از مردم در حال مطالعهٔ کتب مقدّس دوران‌های گذشته، تأمل دربارهٔ انبیاء و تلاش برای درک وعده‌هایی هستند که مسیح دربارهٔ بازگشت خویش داده است.

۳۳. بشنوید چگونه می‌گویند: «استاد نزدیک است» — «پروردگار همین حالا اینجا است»، یا: «او به زودی خواهد آمد»، و می‌افزایند: «نشانه‌های بازگشت او روشن و آشکار است.»

۳۴. برخی مرا می‌جویند و می‌خوانند؛ برخی دیگر حضورم را حس می‌کنند؛ و برخی دیگر در روح، آمدنم را پیش‌بینی می‌کنند.

۳۵. ای کاش همه آنها از پیش این تشنگی دانش را داشتند، ای کاش همه آنها این اشتیاق برای دانستن والاترین حقیقت را داشتند! (۲۳۹، ۶۸–۷۱)

۳۶. بنگرید چگونه مردم از همه فرقه‌ها و مذاهب، زمان‌ها، زندگی و رویدادها را با این امید که نشانه‌هایی را که نویدگر آمدن من هستند بیابند، زیر نظر دارند. آنها جاهلانی هستند که نمی‌دانند من مدت‌هاست که خود را آشکار ساخته‌ام و این شیوه از ظهور به زودی به پایان خواهد رسید.

۳۷. اما این را نیز به شما می‌گویم: بسیاری از کسانی که با چنین اشتیاقی در انتظار من هستند، اگر شاهد شیوه‌ای که من خود را آشکار می‌سازم باشند، مرا نخواهند شناخت؛ بلکه مرا به کلی رد خواهند کرد.

۳۸. تنها شهادت‌ها به آنها خواهد رسید، و از طریق آنها باز هم به این باور خواهند رسید که من در میان فرزندانم بوده‌ام.

۳۹. شما نیز در درون با بی‌تابی در انتظار من بوده‌اید؛ اما من می‌دانستم که شما مرا خواهید شناخت و در این عصر در شمار کارگران من خواهید بود. (۲۵۵، ۲–۴)

**وعده‌های کتاب مقدس**

۴۰. در وحیم به واسطه عیسی، آمدن روح‌القدس را به شما بشارت دادم؛ اما مردم باور داشتند که این یک الهه بود که — بی‌آنکه خود بدانند — در خدا ساکن بود، بی‌آنکه بتوانند درک کنند که وقتی از روح‌القدس سخن می‌گفتم، از خدای یکتا و یگانه برای شما سخن می‌گفتم، خدایی که زمانی را آماده می‌کرد تا خود را فراتر از حدود درک انسانی به بشر بشناساند. (۸، ۴)

۴۱. چرا باید کسی از وحی‌های جدید من شگفت‌زده شود؟ به راستی، به شما می‌گویم، نیاکان پیشین از آمدن این عصر آگاه بودند؛ بینایان عصرهای دیگر آن را دیده بودند و پیامبران آن را پیشگویی کرده بودند. این وعده‌ای الهی بود که مدت‌ها پیش از آنکه من به عنوان عیسی در جهان متولد شوم، به بشریت داده شده بود.

۴۲. هنگامی که من بازگشت دوباره خود را به حواریونم اعلام کردم و به آنها گفتم که چگونه خود را بر بشر آشکار خواهم ساخت، مدت‌ها از زمانی که آن وعده به شما داده شده بود، می‌گذشت.

۴۳. اکنون می‌توانید سیر آن دوران را که پیش رویتان در حال گشودن است، ببینید؛ در اینجا آن نبوت‌ها در حال تحقق‌اند. چه کسی می‌تواند از این امر شگفت‌زده شود؟ تنها کسانی که در تاریکی به خواب رفته‌اند*، یا کسانی که وعده‌های مرا در درون خود خاموش کرده‌اند. (۱۲، ۹۷–۹۹)

** اصطلاح «تاریکی» در اینجا و دیگر جاها به معنای «فقدان درک» یا «جهل» است، در حالی که «نور» در معنای مخالف به عنوان نمادی از «درک» و «روشنگری» به کار می‌رود.*

۴۴. از آنجا که می‌دانستم شما تنها به سطحی از تعالیم من خواهید پرداخت، و خطاهایی را که در تفسیر وحی‌هایم مرتکب خواهید شد پیش‌بینی کرده بودم، بازگشت خود را به شما اعلام کردم و گفتم که روح حقیقت را برایتان خواهم فرستاد، تا بسیاری از اسرار را روشن سازد و آنچه را که درک نکرده بودید برایتان توضیح دهد.

۴۵. زیرا در قلب کلام نبوی خود، به شما اعلام کردم که در این عصر، من نه چنانکه بر کوه سینا در میان رعد و برق آمدم، خواهم آمد و نه انسان خواهم شد و عشق و کلمات خود را همچون «عصر دوم» تجسم خواهم بخشید، بلکه آنکه به روح شما در پرتو حکمت خویش خواهم آمد، ذهن شما را با نور الهام شگفت‌زده خواهم کرد، و با صدایی ' 'که روح شما آن را درک می‌کند، بر درهای قلب شما خواهم کوبید. آن نبوت‌ها و وعده‌ها همین اکنون در حال تحقق هستند.

۴۶. برای شما کافی است که خود را اندکی آماده کنید تا نور من را بنگرید و حضور روح من را احساس کنید — همان کسی که به شما مژده داد که خواهد آمد تا به شما بیاموزد و حقیقت را آشکار سازد. (۱۰۸، ۲۲–۲۳)

۴۷. بسیاری هستند که از ترس یا بی‌کفایتی، از نظر روحانی رشد نکرده‌اند و صرفاً از قانون موسی پیروی می‌کنند، بی‌آنکه به آمدن مسیح اعتراف کنند؛ و برخی دیگر نیز هستند که اگرچه به عیسی ایمان دارند، با این حال منتظر روح تسلی وعده‌شده نبوده‌اند. اکنون من برای بار سوم فرود آمده‌ام، و آنها منتظر من نبوده‌اند.

۴۸. فرشتگان این مکاشفات را مژده داده‌اند و ندای آنان فضا را پر کرده است. آیا آنها را شناخته‌اید؟ این همان معنوی است که برای گواهی بر حضور من به سوی شما آمده است. هر آنچه نوشته شده است، به وقوع خواهد پیوست. نابودی‌ای که به جریان افتاده است، بر غرور و خودبینی انسان غلبه خواهد کرد و او — که فرونتن شده است — مرا خواهد جُست و مرا پدر خواهد خواند. (۱۷۹، ۳۸–۳۹)

۴۹. من در آن روزها به شما چنین گفتم: «آنچه به شما گفته‌ام، تمام آن چیزی نیست که باید به شما بیاموزم. تا شما همه چیز را بدانید، باید ابتدا بروم و روح حقیقت را برایتان بفرستم، تا او هر آنچه را که گفته‌ام و انجام داده‌ام، برایتان توضیح دهد. من در زمان‌های آزمون، تسلی‌بخش را به شما وعده می‌دهم.» اما آن تسلی‌بخش، آن روشنگر، خودِ من هستم که بازمی‌گردم تا شما را روشن سازم و به شما در درک تعالیم گذشته و این تعلیم جدید که اکنون برایتان آورده‌ام، یاری رسانم. (۳۳۹، ۲۶)

۵۰. در حکمت، مرهم شفابخش و تسلی‌ای نهفته است که قلب شما برای آن اشتیاق دارد. به همین دلیل است که من زمانی روح حقیقت را به عنوان روح تسلی به شما وعده دادم. اما ایمان داشتن ضروری است، تا در مسیر سست نشوید و در برابر آزمون‌ها هراس نبرید. (۲۶۳، ۱۰–۱۱)

**نشانه‌های تحقق‌یافته**

۵۱. اندکند کسانی که نشانه‌ها را می‌شناسند که عصر نوئی طلوع کرده و من در حال حاضر خود را از نظر روحانی به بشریت می‌نمایانم. اکثریت زندگی و تلاش‌های خود را وقف پیشرفت مادی می‌کنند، و در این مبارزه بی‌رحمانه و گاه خونین برای دستیابی به اهدافشان، همچون نابینایان زندگی می‌کنند؛ راه خود را

گم می‌کنند، دیگر نمی‌دانند برای چه در تلاشند، نمی‌توانند درخشش روشن سپیده‌دم نو را ببینند، نشانه‌ها را درک نمی‌کنند و از کسب دانش درباره وحی‌هایم بسیار دورند.

۵۲. بشریت بیش از آنچه به وحی‌هایی که من در طول اعصار به آنها بخشیده‌ام ایمان داشته باشد، به تعالیم و سخنان انسان‌ها ایمان آورده است. آیا شما شاید در انتظارید که پدر، در عدالت خویش، نشانه‌هایی حتی بزرگتر از آنچه در هر گوشه می‌بینید برایتان بفرستد، تا بتوانید احساس کنید و باور کنید که این همان زمانی است که برای ظهور من به عنوان روح حقیقت پیشگویی شده بود؟ ای مردم کم‌ایمان! اکنون خواهید فهمید، ای حواریون، که چرا گاهی به شما می‌گویم که صدایم در بیابان فریاد می‌زند، زیرا کسی آن را نمی‌شنود یا به راستی به آن گوش فرا نمی‌دهد. (۹۳، ۲۷–۲۸)

۵۳. تا همه مردم روی زمین به راستی این پیام ایمان آورند، من نشانه‌های پیشگویی‌شده در دوران باستان را در سراسر جهان آشکار ساخته‌ام — پیشگویی‌هایی که از آمدن دوباره من سخن می‌گفتند.

۵۴. بنابراین، هنگامی که این مژده به اقوام می‌رسد، مردم هر آنچه را که در آن زمان‌ها به آنها گفته شده بود، بررسی و کاوش خواهند کرد و به شگفتی و شادمانی خود درخواهند یافت که هر آنچه در مورد بازگشت من اعلام و وعده شده بود، به وفاداری کامل و چنانکه شایستهٔ کسی است که تنها یک اراده، یک کلام و یک قانون دارد، به انجام رسیده است. (۲۵۱، ۴۹)

۵۵. در «عصر دوم»*، من وحی جدیدم را به حواریونم اعلام کردم، و هنگامی که از من پرسیدند چه نشانه‌هایی آن عصر را نوید خواهد داد، آنها را یکی‌یکی همراه با دلایلی که ارائه خواهم داد، برایشان آشکار ساختم.

** مسیح تاریخ نجات را به سه بخش اصلی، یعنی عصرها یا «زمان‌ها»، تقسیم می‌کند که بر اساس آن، «زمان دوم» عصر وحی الهی از طریق عیسی و زمانی است که پس از آن می‌آید (برای جزئیات بیشتر، به فصل ۳۸ مراجعه کنید).*

۵۶. نشانه‌ها تا خودِ پایانِ کار ظاهر شده‌اند؛ آنها اعلام کردند که این همان زمانی است که عیسی از آن خبر داده بود، و اکنون از شما می‌پرسم: اگر این مکاشفه روحانی که به شما اجازه شرکت در آن را می‌دهم، حقیقت نداشت — پس چرا مسیح (به شکلی که مؤمنان انتظار داشتند) ظاهر نشده است، با اینکه نشانه‌ها به وقوع پیوسته‌اند؟ یا آیا گمان می‌کنید که وسوسه‌گر بر تمام آفرینش و نیروهای طبیعت نیز تسلط دارد تا شما را فریب دهد؟

۵۷. من زمانی به شما هشدار دادم که تسلیم فریب پیامبران دروغین، مسیح‌های دروغین و نجات‌دهندگان دروغین نشوید. با این حال امروز به شما می‌گویم که، به واسطه رشد، دانش و تجربه خود، روح تجسم‌یافته تا حدی بیدار شده است که ارائه تاریکی به جای نور برایش آسان نیست، هرچقدر هم که فریب در دسترس باشد.

۵۸. به همین دلیل به شما گفته‌ام: پیش از آنکه خود را با ایمانی کور به این مسیر بسپارید، هرچقدر که می‌خواهید آن را بررسی کنید! بدانید که این کلام به همه داده شده است و من هرگز هیچ بخشی از آن را تنها برای افراد خاصی محفوظ نگذاشته‌ام. ببینید که در این اثر هیچ کتابی وجود ندارد که در آن بخواهم هیچ تعلیمی را از شما مخفی نگه دارم.

۵۹. با این حال در آن «عصر دوم» من همچنین از طریق دهان حواری‌ام یوحنا به شما گفتم: «اگر کسی صدای مرا بشنود و در را باز کند، من به نزد او خواهم آمد و با او غذا خواهم خورد و او نیز با من.» همچنین، مَثَل باکران را به شما آموختم، تا در این عصر آن را در دل خود جای دهید. (۶۳، ۷۹–۸۰)

۶۰. از آنجا که نشانه‌ها و بلاها رخ داده‌اند، و من نه در کنیسه و نه در هیچ کلیسایی ظاهر نشده‌ام — آیا همان نمی‌فهمد که اکنون باید در مکانی خود را آشکار سازم، زیرا نمی‌توانم بر خلاف کلام خویش عمل کنم؟ (۸۱، ۴۱)

## فصل ۲ – سپیده‌دم عصر سوم

### اعلامیه نخست

۱. این روز یادبود است: در تاریخی همچون امروز، من اولین پیامبرانم را تقدیس کردم تا از طریق ایشان تعالیم و وحی‌های نوینم را اعلام کنم. روح الیاس در وجود روکه روچاس* تابید تا شما را به راه، که همان قانون خداست، یادآوری کند.

** نام این پیامبر اول «روکه روچاس» تلفظ می‌شود.*

۲. آن لحظه باشکوه بود؛ ارواح حاضران از هیبت و شادی می‌لرزیدند، همان‌گونه که دل اسرائیل بر کوه سینا هنگامی که شریعت اعلام شد می‌لرزید؛ همان‌گونه که حواریون هنگامی که شاهد تجلی عیسی بر کوه تabor بودند می‌لرزیدند، آنگاه که موسی و ایلیا به صورت روحانی در سمت راست و چپ استاد ظاهر شدند.

۳. آن اول سپتامبر ۱۸۶۶، تولد عصر نو و سپیده‌دم روز جدیدی را رقم زد: «عصر سوم» که برای بشریت طلوع می‌کرد.

۴. از آن لحظه به بعد، بسیاری از پیشگویی‌ها و وعده‌هایی که خداوند در طول هزاران سال به بشریت داده بود، بی‌وقفه محقق شده‌اند. آنها در میان شما، مردان و زنانی که در این عصر در جهان زندگی می‌کنید، برآورده شده‌اند. کدام یک از شما هنگام بیان آن پیشگویی‌ها و آن وعده‌ها بر روی زمین بودید؟ تنها من می‌دانم؛ اما آنچه اهمیت دارد این است که بدانید من این را به شما وعده دادم و اکنون آن را به انجام می‌رسانم.

۵. آیا از آن «ابر» خبر دارید که حواریونم مرا بر آن هنگام که برای آخرین بار خود را به آنها نمایاندم، در حال صعود دیدند؟ زیرا صادقانه نوشته شده است که من «بر ابر» باز خواهم گشت، و من آن را به انجام رسانده‌ام. در ۱ سپتامبر ۱۸۶۶، روح من بر ابر نمادین نازل شد تا شما را برای دریافت تعلیم جدید آماده سازد. پس از آن، در سال ۱۸۸۴، تعلیم خود را به شما منتقل کردم.

۶. من نه به صورت یک انسان، بلکه به صورت روحانی، محصور در پرتوی از نور، آمدم تا بر توان درک انسانی استوار شوم. این وسیله‌ای است که ارادهٔ من برای سخن گفتن با شما در این عصر برگزیده است، و من ایمانی را که به این کلام دارید، برای شما به حساب خواهم آورد.

۷. زیرا نه موسی است که شما را از بیابان به سرزمین موعود هدایت می‌کند، و نه مسیح به صورت یک انسان است که اجازه می‌دهد کلام حیات او را به عنوان راهی به سوی نجات و آزادی بشنوید. اکنون صدای انسانی این موجودات است که به گوش شما می‌رسد، و لازم است که انسان خود را روحانی سازد تا جوهر الهی‌ای را که من در آن حضور دارم، کشف کند. از این رو به شما می‌گویم که ایمان آوردن به این کلام برای شما ثواب دارد، زیرا از طریق موجودات ناقص داده شده است. (۲۳۶، ۴۶–۵۰)

۸. در سال ۱۸۶۶، نخستین جامعهٔ روح‌گرایان، شاگردان این اثر، شکل گرفت. آن شاگردان نخستین، با راهنمایی نور روح من و به تعلیم ایلیا، دریافت پرتوهای پیام را آغاز کردند؛ پیامی که شما اکنون، در آستانهٔ پایان آن، به وفور دریافت می‌کنید. (۲۵۵، ۱۰)

### پیام‌ها و راهنمایی‌ها از سراسر جهان

۹. الیاس، که باید نخست می‌آمد تا راه را برای خداوند آماده سازد، برای اولین بار در سال ۱۸۶۶ از طریق توانایی‌های فکری بشر خود را آشکار ساخت. آیا کمی وقت صرف تحقیق در مورد نشانه‌ها و رویدادهایی که در تمام زمینه‌ها رخ داد و با زمان آن ظهور مصادف بود، نمی‌کنید؟ بار دیگر، این دانشمندانی خواهند بود که ستارگان را مطالعه می‌کنند—و در دوران باستان جادوگر نامیده می‌شدند—که گواهی خواهند داد که آسمان‌ها نشانه‌هایی داده‌اند که دعوت‌های الهی هستند. (۶۳، ۸۱)

۱۰. گمان مبرید که این نقطه از زمین، جایی که این کلام شنیده می‌شود، تنها مکانی است که من خود را به فرزندانم می‌شناسانم. زیرا به راستی، به شما می‌گویم، تجلی من به اشکال گوناگون در سراسر جهان است.

۱۱. الیاس، که در میان شما خود را به عنوان پیشگام وحی من از طریق عقل انسانی معرفی کرد، تنها به سرزمینی که در آن زندگی می‌کنید نیامد. او از مکانی در زمین به مکان دیگر سفر کرد، مژده‌دهنده عصر نو و مژده‌دهنده آمدن ملکوت آسمان بود.

۱۲. از هر سو فریادهایی برآمد تا آمدنم را به شما اعلام کند: طبیعت که در هم پیچیده بود، زمین را لرزاند؛ علم از مکاشفات نو شگفت‌زده شد؛ جهان معنوی* بر بشریت سرازیر گشت؛ و با این حال، بشریت به آن فریادها، که مژده‌دهندگان عصر نو بودند، کر شد.

** این اصطلاح به ساکنان عوالم بالاتر ماوراء، ارواح نورانی در جهان معنوی خداوند، اشاره دارد.*

۱۳. سیل نور الهی فرود آمد تا بشر را از تاریکی‌اش بیرون آورد. اما این مردم — خودخواه و مادی‌گرا*، که از تلاش برای کمال روح یا بهبود اخلاق زندگی خود بر روی زمین بسیار دور بودند — از آن نور تنها برای آفرینش تخت‌ها و شکوه و جلال، آسایش‌ها و لذت‌ها برای جسم و — هرگاه که لازم می‌دانستند — همچنین سلاح‌هایی برای نابودی زندگی همنوعان خود استفاده کردند. چشمانشان از شدت نور من کور شد و خودبینی‌شان باعث هلاکتشان گشت. اما به شما می‌گویم که این همان نوری است که از طریق آن حقیقت را خواهند یافت، راه را خواهند شناخت و خود را نجات خواهند داد.

** این به معنای عکس «روحانی‌سازی» است، یعنی شیوه‌ای از زندگی و تفکر که صرفاً به امور مادی و جسمانی مربوط می‌شود.*

۱۴. کسانی که توانستند این نور را در ذهن خود دریافت کنند و آن را به عنوان پیامی الهی بپذیرند، اجازه دادند که وجدانشان راهنمای گام‌هایشان باشد و به عنوان یک اصل راهنما برای اعمالشان عمل کند. زیرا آنها پیش‌درکی داشتند که خداوند بازگشته است و او در میان بشر است.

۱۵. نمایندگان فرقه‌ها و مذاهب گوناگون نمی‌خواستند مرا بپذیرند؛ دل‌هایشان، غرورشان و حس کاذب عظمتشان مانع از آن شد که مرا به صورت روحانی بپذیرند. به همین دلیل، در سراسر جهان، گروه‌ها، برادری‌ها و انجمن‌هایی از کسانی تشکیل شده‌اند که حضور عصر نو را حس می‌کنند، و برای دعا و دریافت الهام پروردگار به تنهایی روی می‌آورند. (۳۷، ۷۶–۸۱)

۱۶. جوامع مذهبی‌ای هستند که در تلاش برای آماده‌سازی بازگشت من هستند، بی‌آنکه دریابند که من در حال حاضر در حال رفتن هستم.

۱۷. من به همه فراخواندم، و در حقیقت، ندای من و این شایعه که من در حال حاضر خود را به بشریت می‌نمایانم، به همراه شهادت‌ها و شواهدی که از من سخن می‌گویند، به هر گوشه زمین رسید: گناهکارانی که نو شده‌اند، کافری که ایمان آورده‌اند، «مردگانی» که زنده شده‌اند، بیماران لاعلاجی که شفا یافته‌اند، و جن‌زده‌هایی که از عذاب خود رها شده‌اند.

۱۸. اما دریافتم که بسیاری کر هستند، برخی دیگر در جایگاه دنیوی خود مغرور شده‌اند، و عده‌ای دیگر نیز آن‌قدر ترسو هستند که جلوهٔ من را به عنوان روحِ حقیقت آشکار نمی‌سازند. من همه کسانی را که به سوی من آمدند و به محبتِ من اعتماد کردند، پذیرفتم و تعلیم دادم. (۲۳۹، ۱۷–۱۹)

۱۹. انبوهی از مردم از کشورهای دیگر به این ملت خواهند آمد؛ آنها مشتاقانه از شما دربارهٔ رویدادهای روحانی که در این زمان شاهد آن بوده‌اید، و همچنین دربارهٔ وحی‌ها و پیشگویی‌هایی که به شما داده‌ام، خواهند پرسید.

۲۰. زیرا در بخش‌های بسیاری از جهان، پیام‌هایم دریافت شده است که بیان می‌دارد پرتو الهی من بر مکانی در غرب نازل شده است تا با بشریت این عصر سخن بگوید.

۲۱. هنگامی که زمان برسد، خواهید دید که چگونه از میان اقوام و ملت‌های دیگر برای یافتن شما خواهند آمد. آنگاه رهبران فرقه‌های بزرگ مأیوس خواهند شد که من به سوی ایشان رو نیاورده‌ام. (۲۷۶، ۴۵)

۲۲. جهان چقدر به تجلی جدید من بی‌اعتناست! چه اندکند کسانی که مراقب و منتظر من هستند، و چه بسیارند کسانی که خوابیده‌اند!

۲۳. درباره کسانی که در انتظار من زندگی می‌کنند، می‌توانم به شما بگویم که همهٔ آنان شکل واقعی حضور من در این زمان را پیش‌بینی نمی‌کنند. زیرا در حالی که برخی، تحت تأثیر باورهای کهن، گمان می‌برند که من به صورت یک انسان به جهان باز خواهم گشت، دیگران معتقدند که من باید به شکلی ظاهر شوم که برای چشم هر انسانی قابل رؤیت باشد، و تنها تعداد بسیار کمی به حقیقت پی برده و احساس می‌کنند که آمدن من روحانی است.

۲۴. در حالی که برخی در این اندیشه‌اند که چه شکلی خواهم داشت، در چه ساعتی یا چه روزی خود را بر زمین آشکار خواهم ساخت و در کدام مکان ظاهر خواهم شد، دیگران بدون آنکه به شکل‌ها یا زمان‌های مشخصی بیندیشند، می‌گویند: «استاد همین حالا در میان ماست؛ نور او که روح اوست، ما را در بر گرفته است.»

۲۵. هنگامی که این پیام به همه دل‌ها می‌رسد، برای برخی لحظه‌ای از شادمانی خواهد بود، زیرا در آن تأیید تمام پیش‌بینی‌ها و ایمانشان را خواهند یافت. اما دیگران، حقیقت پیام را انکار خواهند کرد، زیرا آن را مطابق با آنچه باور داشتند رخ خواهد داد، و نیز مطابق با شیوه‌ای که گمان می‌کردند آشکار خواهد شد، نمی‌یابند. (۲۷۹، ۴۱–۴۴)

**خدمت الیاس به‌عنوان پیشگام خداوند**

۲۶. من ایلیا را در «عصر سوم»* بازگرداندم، و من، به عنوان استاد، در آن «عصر دوم» او را چنین اعلام کرده بودم: «به راستی، ایلیا در میان شما بوده است، و شما او را نشناختید. من به جهان باز خواهم گشت، اما به راستی به شما می‌گویم: ایلیا پیش از من آنجا خواهد بود.»

** به فصل ۳۸ مراجعه کنید.*

۲۷. از آنجا که هر سخنِ استاد محقق می‌شود، ایلیا در «عصر سوم» پیش از من آمده است تا ارواح را بیدار کند، تا به آنها پیش‌چشمی بدهد که ساعت روح‌القدس درهای خود را گشوده است، تا به هر روحی بگوید که باید چشمان خود را بگشاید، و خود را برای عبور از آستانِ از عصر دوم به عصر سوم آماده سازد. تا پیام الیاس در این «عصر سوم» آسان‌تر فهمیده شود، من سبب شدم که او خود را از طریق مردی صالح آشکار سازد: روکه روخاس.

۲۸. الیاس این مرد را از عالم ماوراء به طور معنوی روشن ساخت، به او الهام بخشید، او را تقویت کرد و او را در تمام راه‌هایش از ابتدا تا انتها هدایت کرد.

۲۹. اما به راستی، به شما می‌گویم، این او نبود که روکه روخاس را از میان انسان‌ها برگزید. من او را برگزیدم؛ روح او را که از طریق رحمت من آماده شده بود، فرستادم. من به او بدنی نیز دادم که به همین ترتیب توسط من آماده شده بود، و شما می‌دانید که او فروتن بود، و پدر از طریق فروتنی و فضیلت او کارهای بزرگی انجام داد. او پیامبر، فرستاده، بصیر و راهنما بود. او در تمام این امور، الگویی درخشان برای مردم به جای گذاشت.

۳۰. او توسط قوم خود مسخره و استهزا شد، همان‌طور که موسی در بیابان مسخره شد؛ او مانند پیامبر الیاس مورد آزار و اذیت قرار گرفت و مجبور شد برای دعا کردن برای قومش و شفاعت در حق آنها، به قله کوه‌ها عقب‌نشینی کند.

۳۱. مانند استادش، توسط کاهنان و کاتبان مسخره و محکوم شد. همانند استادش، تنها عده‌ای اندک به او ایمان آوردند، از او پیروی کردند و در کنارش ماندند. دستانش پرتوهای شفابخش ساطع می‌کرد و معجزه‌هایی انجام می‌داد که در برخی ایمان می‌افکند و در برخی دیگر موجب سردرگمی می‌شد. برای برخی، سخنان پیامبرانه از لبان او جاری شد که به طور دقیق محقق گردید. دهان او مشورتی سرشار از تسلی برای دل‌های پریشان ارائه می‌داد. 32. ذهن او قادر بود الهامات بزرگی را دریافت کند و مانند ذهن صالحان، حواریون و پیامبران، به وجد می‌آمد. روح او می‌توانست از این جهان و بدنش جدا شود تا وارد قلمرو معنوی گردد و با فروتنی به درهای خزانه‌ی مخفی خداوند برسد. از طریق این تعالی، روح الیاس پیش از آنکه پرتو استاد برسد، خود را به اولین شاهدان آشکار ساخت. (۳۴۵، ۵۷–۵۸)

۳۳. روکه روخاس گروهی از مردان و زنان پر از ایمان و نیت نیک را گرد هم آورد و در آنجا، در میان اولین گردهمایی‌هایش، الیاس خود را از طریق ذهن پیام‌آور آشکار ساخت و گفت: «من پیامبر الیاس هستم، کسی که بر کوه تabor تجلی یافت.» او به حواریون اولیه‌اش تعالیم ابتدایی را آموخت؛ در همان حال، عصر معنوی‌سازی را به آنان اعلام کرد و پیشگویی نمود

که به زودی درخشش استاد الهی خواهد آمد تا خود را به قومش آشکار سازد.

۳۴. روزی، هنگامی که محل ملاقات فروتنانه در روکه روخاس از پیروانی که به سخنان این مرد ایمان داشتند پر شده بود، ایلیا فرود آمد تا ذهن واسطه‌اش را روشن سازد و به الهام از من، هفت تن از این مؤمنان را که قرار بود نماد یا نماینده هفت مهر باشند، مسح کرد.

۳۵. بعدها، هنگامی که لحظه موعودِ ظهورِ من فرا رسید، دریافتم که از میان آن هفت برگزیده، تنها یکی در انتظارِ آمدنِ دامادِ پاک، بیدار و هوشیار بود، و آن دل، دلِ دامیانا اوویدو بود، باکرهٔی که ذهنش نخستین کسی بود که به پاس استقامت و آمادگی‌اش، نورِ پرتوِ الهی به او عطا شد.

۳۶. دامیانا اوویدو نمایانگر مُهر ششم* بود. این خود اثباق دیگر بود بر اینکه نور مُهر ششم همان نوری است که این عصر را روشن می‌سازد. (۱، ۶–۹)

** این اصطلاح که به کتاب مکاشفه اشاره دارد، نشانگر ششمین مهر از «هفت مهر» است که باید آن‌ها را نماد هفت عصر در سه دوران تاریخ نجات دانست (برای جزئیات بیشتر، به فصل ۳۸ مراجعه کنید).*

۳۷. تنها عده‌ای معدود بودند که واقعاً می‌توانستند حضور فرستادهٔ خدا را حس کنند. بار دیگر او همان صدای فریادزننده در بیابان بود و بار دیگر دل‌های مردم را برای آمدن قریب‌الوقوع خداوند آماده ساخت. بدین‌سان مُهر ششم گشوده شد، محتویاتش آشکار گشت و همچون سیلی از عدالت و نور بر بشریت سرازیر شد. بدین ترتیب بسیاری از وعده‌ها و پیشگویی‌ها محقق گردید.

۳۸. همچون عیسی و موسی، الیاس چشمان روح شما را روشن ساخت تا بتوانید پدر را ببینید. موسی به شما آموخت: «همسایه خود را همچون خودت دوست بدار.» عیسی به شما گفت: «یکدیگر را دوست بدارید!» الیاس به شما فرمان داد که نسبت به همسایگان خود شفقت بیشتری داشته باشید، و بلافاصله افزود: «و پدرم را در تمام جلالش خواهید دید.» (۸۱، ۳۶–۳۷)

۳۹. هنگامی که تاریکی فراگرفتهٔ بشریت زدوده شود و نور در درون ارواح طلیعه کند، آن‌ها آمدن عصری نو را احساس خواهند کرد، زیرا الیاس به نزد بشر بازگشته است.

۴۰. اما از آنجا که مردم قادر به دیدن او نبودند، لازم بود که روح او خود را از طریق درک انسانی آشکار سازد، و او خود را به بینندگان در آن نماد از پیامبر الیاس نشان دهد: بر فراز ابرها در ارابهٔ آتشین خود.

۴۱. الیاس در این عصر به عنوان پیشگام برای آماده‌سازی راه آمدن من آمده است. او به عنوان پیامبر آمده است تا عصر نو را با تمام مبارزات و آزمون‌هایش، اما همچنین با حکمت وحی‌هایش به شما بشارت دهد. او با ارابهٔ نوری خود می‌آید تا شما را به سوار شدن بر آن دعوت کند، تا شما را فراتر از ابرها ببرد و به سرزمین معنوی برساند، جایی که صلح حکمفرماست. به او به عنوان چوپان نیکو اعتماد کنید؛ از نظر روحانی از او پیروی کنید، همان‌طور که مردم در «عصر نخست» از موسی پیروی کردند. دعا کنید تا او در به انجام رساندن مأموریتتان به شما کمک کند، و اگر می‌خواهید از او الگوبرداری کنید، چنین کنید. (۳۱، ۵۸–۵۹)

۴۲. الیاس، روحی با قدرت عظیم که از سوی بشریت شناخته نشده است، همواره پیشگام من بوده است. امروز او بار دیگر آمده است تا نشان‌شدگان* را که به عنوان سخنگویان من و نیز تمام مردم به من خدمت کرده‌اند، آماده سازد.

** نشان‌داران (به اسپانیایی: marcados) یا مُهرشدگان (مکاشفه یوحنا، فصل ۱۴، آیات ۱–۵) کسانی هستند که توسط مسیح برگزیده شده‌اند و نشان تثلیث مقدس را بر پیشانی خود از او دریافت کرده‌اند. (برای جزئیات بیشتر، به فصل ۳۹، بخش آخر مراجعه کنید)*

۴۳. اگر خود را آماده کنید و تعالیم را بیاموزید تا اراده‌ام را بشناسید، ایلیا به یاری شما خواهد شتافت و تکیه‌گاه و دوست شما خواهد بود.

۴۴. الیاس پرتو الهی‌ای است که همه موجودات را روشنایی می‌بخشد و هدایت می‌کند و ایشان را به سوی من می‌رساند. او را دوست بدارید و به عنوان پیشگام و شفیع خود به او احترام بگذارید. (۴۲:۵۳–۴۴)

۴۵. پیامبر الیاس، پیشگام و مژده‌دهندهٔ «عصر سوم»، برای گلهٔ خود شفاعت می‌کند؛ او برای کسانی که نمی‌دانند چگونه دعا کنند، دعا می‌کند و با ردای خود لکه‌های گناهکار را در امید تجدید او می‌پوشاند. الیاس در حال آماده‌سازی انبوه جمعیت و لشکریان خود است تا با تاریکی‌ای که از جهل، گناه، تعصب و مادی‌گرایی بشر سر برآورده است، مبارزه کند. (۶۷، ۶۰)

۴۶. اکنون وظیفه همه کسانی است که از پیش آماده و بیدار شده‌اند تا آزادی جهان را اعلام کنند. به یاد داشته باشید که ایلیا، آن که برای این زمان وعده داده شده است، در حال حاضر همه چیز را برای رهایی ملت‌های زمین، که به مادّه‌گرایی اسیر شده‌اند، از چنگال فرعون آماده می‌کند، همان‌طور که موسی زمانی در مصر با قبایل اسرائیل چنین کرد.

۴۷. به همنوعان خود بگو که ایلیا پیش از این خود را از طریق عقل انسانی آشکار کرده است، حضور او در روح بوده است، و او به روشن ساختن راه تمام اقوام ادامه خواهد داد تا آنان بتوانند پیش روند.

۴۸. چوپان شما مأموریت دارد که همه مخلوقات را به راه راستشان بازگرداند، چه در قلمرو معنوی، اخلاقی یا مادی باشد. از این رو به شما می‌گویم که آن ملت‌هایی که از طریق الیاس، ندای پروردگارشان را دریافت می‌کنند، برکت خواهند یافت، زیرا آنها به واسطه قانون عدالت و عشق متحد خواهند ماند، قانونی که به عنوان میوه درک و برادری‌شان، صلح را برایشان به ارمغان خواهد آورد. بدین ترتیب متحد، به میدان نبرد هدایت خواهند شد، جایی که علیه فساد، مادی‌گرایی و دروغ خواهند جنگید.

۴۹. در این مبارزه، مردم این عصر شاهد معجزات نوین خواهند بود و معنای معنوی زندگی را درخواهند یافت — آن چیزی که از جاودانگی و صلح سخن می‌گوید. آنها دست از کشتن یکدیگر خواهند کشید، زیرا درمی‌یابند که آنچه باید نابود کنند، جهل، خودخواهی و هوس‌های فاسدی است که سقوط‌ها و سختی‌هایشان - چه مادی و چه معنوی - از آن ناشی شده است. (۱۶۰، ۳۴–۳۶)

۵۰. الیاس پرتو خداست که نورش تاریکی شما را برطرف می‌سازد و شما را از اسارت این عصر، که عصر گناه است، آزاد می‌کند و روح شما را از بیابان عبور داده تا به «سرزمین موعود» در آغوش خدا برسد. (۲۳۶، ۶۸)

## *فصل ۳ – خورشید معنوی ظهور دوم مسیح*

### آمدن خداوند

۱. من در زمانی در میان بشر حضور دارم که اکتشافات جدید زندگی مردم را دگرگون کرده است، و حضوری را که زمانی در من شناختید، با همان فروتنی در میان شما احساس می‌دهم.

۲. «کلمه»ی خدا بار دیگر به صورت انسان درنیامده است؛ مسیح در فقر یک آخور از نو زاده نشده است — نه؛ زیرا دیگر نیازی نیست که بدنی گواهی بر قدرت خدا بدهد. اگر مردم گمان کنند که این بدن، خدایی است که به جهان آمده، در اشتباهند. حضور خدا روحانی، جهانی و بی‌نهایت است.

۳. اگر همه آنچه بشر در این عصر به دست آورده در چارچوب آنچه عادلانه، قانونی و نیکوست قرار داشت، لازم نبود که من فرود آیم تا بار دیگر با شما سخن گویم. اما همه کارهایی که این بشریت به من عرضه می‌کند، نیک نیستند: تعدی‌ها، بی‌عدالتی‌ها، انحرافات و بدی‌های بسیاری وجود دارد. از این رو، لازم بود که عشقِ دلسوزانه من، انسانیت را درست در عمیق‌ترین غرقگی‌اش در کارهایش بیدار کند، تا وظایفی را که فراموش کرده و کسی را که مدیون اوست برای هر آنچه هست و هر آنچه قرار است باشد، به یادش آورد.

۴. برای آنکه خود را بر انسانیتی مادی که نمی‌توانست مرا از روح به روح درک کند، شنیدنی سازم، ناچار بودم از عطایای روحانی و توانایی‌هایشان بهره گیرم تا خود را از طریق قوای فکری انسان آشکار سازم.

۵. دلیل اینکه من برای ارتباط با شما «نازل» می‌شوم این است: از آنجا که شما قادر نبودید از روح به روح به سوی پروردگارتان صعود کنید تا با او گفتگو کنید، من مجبور شدم یک پله پایین‌تر بیایم، یعنی از عالم روحانی و الهی به مکانی که هنوز برای شما دست‌نیافتنی است. سپس مجبور شدم از قوه عقل شما که در مغز انسان جای دارد، استفاده کنم و الهام الهی خود را به کلمات انسانی و صداهای مادی ترجمه کنم.

۶. بشریت به درک وسیع‌تری نیاز دارد، و این خداست که برای سپردن حکمت به انسان‌ها نزد آنان می‌آید. اگر وسیلهٔ برگزیده ، یعنی افشاگری مختصر من از طریق قوهٔ فکری این سخنگویان، در نظر شما شایسته به نظر نمی‌رسد، پس به شما حقیقتاً می‌گویم که پیامی که از طریق آنان منتقل می‌شود از اهمیت بسیار برخوردار است. شما ترجیح می‌دادید پیام با شکوه و جلالی که تأثیرگذار می‌بود به بشر ابلاغ شود، اما از منظر معنوی، این در واقع بیهوده می‌بود، زیرا چنین شکوه و جلالی هیچ نور حقیقی در خود ندارد.

۷. می‌توانستم در میان صاعقه و طوفان بیایم تا قدرتم را ملموس سازم؛ اما در آن صورت چقدر آسان بود که مردم بپذیرند حضور خداوند آمده است! اما آیا گمان نمی‌کنید که در آن هنگام ترس، به همراه تصور چیزی غیرقابل درک، به دل‌هایتان باز می‌گشت؟ آیا باور ندارید که هر احساس محبت به پدر به چیزی جز ترس از عدالت او تبدیل می‌شد؟ با این حال باید بدانید که خدا، هرچند قدرت لایزال است، شما را با این قدرت شکست نخواهد داد و خود را از طریق آن اثبات نخواهد کرد، بلکه از طریق قدرت دیگری، و آن قدرت عشق است.

۸. این روح الهی است که امروز با جهان سخن می‌گوید. اوست که نور را بر هر آنچه در زمان‌های دیگر به روشنی نشناخته‌اید، می‌تاباند. او سپیده‌دم روز نوینی برای همه مردم است، زیرا شما را از ترس‌های باطل رها خواهد ساخت، تردیدهایتان را از میان خواهد برد و روح و ذهن شما را آزاد خواهد کرد.

۹. به شما می‌گویم: هنگامی که به جوهر تعالیم و عدالت قوانینم واقف شدید، محدودیت‌هایی را که تصورات پیشین خود بر شما تحمیل کرده و مانع پیشرفت شما فراتر از درک سطحی حقیقت شده است نیز خواهید شناخت.

۱۰. دیگر ترس یا هراس از مجازات، شما را از جست‌وجو و کشف بازنخواهد داشت. تنها زمانی که واقعاً بخواهید آن چیزی را که فراتر از درک شماست بفهمید، وجدانتان شما را از مسیر بازخواهد داشت؛ زیرا باید بدانید که انسان قرار نیست تمام حقیقت را بداند و تنها باید به آن بخشی از آن که برایش مناسب است، دست یابد.

۱۱. ای مردم: اگر آمدن من در میان جنگ‌ها، نیروهای بی‌مهار طبیعت، بیماری‌های همه‌گیر و آشوب پیشگویی شده بود، به این دلیل نبود که من همه این امور را بر شما نازل کرده باشم؛ بلکه به این دلیل بود که حضور من دقیقاً در آن ساعت بحران، یاری‌رسان بشر خواهد بود.

۱۲. پس، این است تحقق تمام آنچه درباره بازگشت من گفته شده است. من در حالی به سوی بشر می‌آیم که جهانی در جدال مرگ است و زمین، در تپش‌های مرگبار خود، می‌لرزد و می‌تکاند تا راه را برای انسانیتی نو هموار سازد. از این رو، فراخوان خداوند در «عصر سوم» فراخوانی است از سرِ محبت— محبتی که تجلی و الهام‌بخش عدالت، برادری و صلح است.

۱۳. کلام مسیح زمانی در حواریونش ریشه دواند و بذر آن در میان پیروانشان رویید. تعلیم او گسترش یافت و معنای آن به سراسر جهان رسید. این تعلیم امروزی نیز چنین گسترش خواهد یافت؛ و از سوی همه کسانی که قادر به درک و احساس آن هستند، پذیرفته خواهد شد. (۲۹۶، ۱۷–۲۷، ۳۵)

**چشم همه بر من خواهد افتاد**

۱۴. عیسی به حواریونش گفت: «من تنها برای مدتی کوتاه از شما دور خواهم بود — باز خواهم گشت.» سپس برایشان آشکار شد که استادشان «بر ابر» خواهد آمد، در محاصره فرشتگان، و پرتوهای نوری را به سوی زمین می‌فرستد.